

در میزگرد آنلاین با حضور متخصصان فناوری بانکی و اپراتور تلفن همراه مطرح شد

بازنگری و تعدیل مستند کیف الکترونیکی پول ضروری است

۴

چرا چین در حال نابودی شرکت‌های اینترنتی خود است؟



آنهایی که اخبار تجارت را دنبال می‌کنند احتمالاً در چند ماه گذشته متوجه پدیده‌ای جالب و عجیب شده‌اند: چین در حال نابود کردن شرکت‌های اینترنتی‌اش است. این ماجرا زمانی آغاز شد که - یا حداقل اکثر مردم در ایالات متحده زمانی متوجه آن شدند که - دولت عملاً عرضه اولیه سهام شرکت آنت فاینشال را کنسل و سپس این شرکت را منحل کرد. جک ما، مؤسس آنت و همچنین مؤسس شرکت عظیم تجارت الکترونیکی علی بابا، برای ملاقات با دولت احضار و بعد برای چند هفته ناپدید شد. سپس دولت یک جرمه زندان‌محوری [آنتی ترست] چند میلیارد دلاری علیه علی بابا (که گاهی آن را با آمازون مقایسه می‌کنند) وضع کرده، مرورگر وب محبوبش را از اپ‌استورها حذف کرد، و چند اقدام دیگر نیز علیه این شرکت انجام داد. ارزش امپراطوری تجاری «ما» به شدت سقوط کرده است. اما «ما» فقط برجسته‌ترین هدف بود. دولت به دنبال شرکت‌های فین‌تک [فناوری مالی] دیگر، از جمله شرکت‌های متعلق به دیدی (اوبر چین) و تسنت (بزرگ‌ترین شرکت رسانه‌های اجتماعی چین) نیز است...

از شبکه‌های اجتماعی تا حکمرانی خوب

در چند روز گذشته، اظهارنظر وزیر ارتباطات در خصوص نوع حضور در شبکه‌های اجتماعی حاشیه‌های زیادی در فضای دیجیتال ایجاد کرد تا در نهایت در دیدار با فعالان بخش خصوصی کسب و کارهای دیجیتال به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: اهل فضای مجازی هستیم و در برنامه تلویزیونی هم گفتم من اهل شبکه‌های اجتماعی هستم و فکر نمی‌کنم کسی آنلاین‌تر از من هم باشد اما قرار نیست که من بنشینم کامنت بخوانم و کامنت پاسخ بدهم...

۲

دانشمندان از امکان استخراج آب و اکسیژن از خاک ماه خبر می‌دهند

۸

مقدمه‌ای بر قراردادهای هوشمند و محدودیت‌های بالقوه و ذاتی آنها

طرف‌های قرارداد قادر به حل این مساله با استفاده از «اوراکل» خواهند بود. اوراکل‌ها، اشخاص ثالثی هستند که اطلاعات خارج از زنجیره را بازیابی کرده و سپس آن اطلاعات را در زمان‌های از پیش تعیین شده به بلاک‌چین منتقل می‌کنند. در مثال فوق، اوراکل دمای روزانه را کنترل کرده و تعیین می‌کند که رویداد انجام رخ داده است و سپس این اطلاعات را به قرارداد هوشمند منتقل می‌کند. اگرچه اوراکل‌ها راه‌حل مناسبی را برای دسترسی به منابع خارج از زنجیره ارائه می‌دهند، اما این فرایند شخص دیگری را اضافه می‌کند که طرفین برای اجرای یک قرارداد هوشمند باید با او نیز قرارداد ببندند، بنابراین مزایای غیرمتمرکز قراردادهای هوشمند محدودی کاهش یافته و همچنین یک «قطعه شکست» احتمالی رانیز معرفی می‌کند.

۷

ضرورت «ورژن‌گذاری» برای مراحل تحقق شبکه ملی اطلاعات



منظور از «ورژن‌گذاری» برای مراحل تحقق شبکه ملی اطلاعات این است که مثلاً مرحله آغاز عملیات آماده‌سازی برای اجرای «شبکه ملی اطلاعات» را «شبکه ملی اطلاعات ۰.۰» بنامیم و مرحله اجرای Core یا هسته شبکه ملی اطلاعات را «شبکه ملی اطلاعات ۱.۰» بخوانیم و همین‌طور الی آخر، فرضاً «شبکه ملی اطلاعات ۶.۰» برای مشخص کردن مرحله اجرای نیازمندی‌های برنامه ششم توسعه. به چند دلیل زیر، اضافه کردن شماره «ورژن» در نام «شبکه ملی اطلاعات» نسبت به اسم صاف و ساده «شبکه ملی اطلاعات» ترجیح دارد. نخست، اصطلاح «شبکه ملی اطلاعات» در دولت‌های پیشین آنچنان مورد سوءاستفاده قرار گرفته و مسخ شده است که صحبت کردن از آن بدون «ورژن»، گمراه‌کننده گوینده و شنونده است. پس اگر وزیر جدید ارتباطات و فناوری اطلاعات در دولت سیزدهم، شبکه ملی اطلاعات مورد نظرش را (به روایت خودش) اساس، محور و آرایش جدید وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در دوره جدید می‌نامد، و تحقیقش را در تمام لایه‌های فضای ارتباطی کشور درخواست می‌کند و مایل است فرمانده میدان ارتباطات کشور باشد و مسوولیت اجرای آن را به عهده بگیرد، بهتر بود به جای استفاده از اصطلاح صاف و ساده ولی مخدوش شده «شبکه ملی اطلاعات» از نامی ورژن‌گذاری شده استفاده می‌کرد که بازتاب‌دهنده مفهوم و مضمون نوین شبکه ملی اطلاعات و منعکس‌کننده مرحله پیشرفت آن، متناسب با مرحله‌ای باشد که در دست اجرا است یا اجرا شده است...

۳

همکار گرامی
جناب آقای علی شمیرانی

فقدان پدر بزرگوارتان ما را
سخت اندوه‌گین ساخت
غفران و رحمت الهی برای آن
عزیز از دست رفته و سلامتی
و طول عمر با عزت برای جنابعالی
از پروردگار متعال خواهانیم.

هفته‌نامه عصر ارتباط

تا پایان مهرماه

همراه لحظه‌های جوانی
فروش سیم کارت دائمی جوانان

۶۰ درصد تخفیف ۲۰ گیگابایت اینترنت

Shop.mci.ir (ارسال رایگان)

معاون پروژه شبکه ملی اطلاعات

پلتفرم‌ها با طرح صیانت، خدمات بهتری می‌دهند



معاون طرح و توسعه شبکه ملی اطلاعات با بیان اینکه روح حاکم بر طرح صیانت، نهادسازی برای حفظ داده‌های ملی و داده‌های کاربر است، گفت: در صورت اعمال این مقررات، پلتفرم با کیفیت بهتری خدمات می‌دهد.

هفتاد و چهارمین محفل هم‌افزایی جمعیت توسعه‌گران فضای مجازی باک با هدف بررسی نیازها و کارکردهای شبکه ملی اطلاعات با حضور مهدی کریمی نیسیانی، معاون طرح و توسعه شبکه ملی اطلاعات و کارشناسان فضای مجازی بر گزار شد.

معاون طرح و توسعه شبکه ملی اطلاعات با تأکید بر اینکه قطعاً شبکه ملی اطلاعات به دنبال محدود کردن و قطع دسترسی به اینترنت نیست و مدل معماری این شبکه از نگاه فنی و تخصصی نیز موید این موضوع است که کشور به دنبال قطع اینترنت جهانی نیست، با انتقاد از برخی فضا‌سازی‌ها در خصوص ایجاد محدودیت برای دسترسی کاربران اظهار داشت: در زبرساخت شبکه ملی اطلاعات تسهیل خدمات دسترسی به ترافیک بین‌الملل و سرویس‌های مورد کاربران، تسهیل ترانزیت ارتباطات بین‌الملل و امکان جذب بازار بین‌المللی برای پلتفرم‌های داخلی پیش‌بینی شده است. این اهداف عملیاتی که باید تا سال ۱۴۰۴ به سرانجام برسد، جایگاه کشور در حوزه اینترنت بین‌الملل و تأمین بازار برای پلتفرم‌ها را تقامی دهد. به گفته این مقام مسوول، معماری شبکه ملی اطلاعات دارای نگاهی به‌روز و آینده‌نگر همراه با سرویس‌های جدید است تا حداکثر استقلال فضای مجازی در کشور کسب شود. بدون اینکه اختلال در نیازمندی‌های مردم ایجاد شده و یا محدودیتی برای دسترسی مردم به وجود بیاید.

کریمی نیسیانی با تأکید بر اینکه اصول طراحی شبکه ملی اطلاعات فنی و عقلی است اما دشمنان می‌خواهند از آن برداشت ناصحیح کنند که این منصفانه نیست، این سسوال را مطرح کرد که کدام بخش از آنچه که در معماری شبکه ملی اطلاعات آورده شده است با چارچوب استاندارد طراحی شبکه مغایر است؟

او گفت: نگاه ما در خصوص شبکه ملی اطلاعات، یک نگاه درون‌زا و برون‌نگر است. به این معنی که در معادلات جهانی اینترنت نقش آفرین باشیم؛ ما معتقدیم که با پتانسیل‌های موجود کشور، این مهم، قابل دستیابی است.

این کارشناس فناوری اطلاعات با بیان اینکه برای صیانت از حریم خصوصی، باید قاعده‌گذاری مناسب شکل بگیرد و پلتفرم‌های بین‌المللی در داخل کشور پاسخگو باشند، افزود: سوال این است که آیا کشورهای دیگر راه دیگری را رفتند؟ ترکیه، آلمان، فرانسه، چین و ژاپن چطور قابلیت مقررات‌گذاری برای پلتفرم‌ها ایجاد کردند؟

او با تأکید بر اینکه در مقام دفاع و یا مخالفت در خصوص این طرح صحبت نمی‌کنم بلکه باید واقعیت را دید، گفت: یک فضای دلهره‌آمیز در این خصوص ایجاد شده و یک سری افراد ناآگاه نیز به این فضا می‌دمنند. من معتقدم که این طرح، قابلیت اصلاح نکاتی را دارد و باید بر طرف شود. اما کل ماجرا همسو با جریاناتی است که در دنیا اتفاق می‌افتد. این یک برداشت منصفانه است.

کریمی نیسیانی گفت: امیدواریم نقطه نظرات کارشناسی در کمیسیون مشترک بررسی طرح حمایت از حقوق کاربران فضای مجازی به جمع‌بندی برسد تا منافع ملی در این طرح، تأمین شود.

معاون طرح و توسعه شبکه ملی اطلاعات در مورد تردیدهایی که در خصوص حفاظت از داده در طرح حمایت از حقوق کاربران فضای مجازی و خدمات پایه کاربردی عنوان می‌شود، نیز تصریح کرد: اصل ۲۵ قانون اساسی تکلیف حریم خصوصی را روشن کرده و بر مبنای آن دسترسی به داده‌های افراد مجازات دارد و این مساله فتوای مقام معظم رهبری نیز است.

او با تأکید بر اینکه کشور ما دارای یکی از متعالی‌ترین قوانین حفظ حریم خصوصی است و این قوانین بازدارنده، کسانی را که به حریم خصوصی افراد تجاوز کرده و دسترسی پیدا کنند، هدف قرار داده است، گفت: برخی با فضا‌سازی و ذهنیت‌سازی غلط، ذهن مردم را درگیر این موضوعات می‌کنند. دامن زدن به این فضا‌سازی‌ها باعث شده که بخشی از پلتفرم‌های داخلی مظلوم واقع شوند. ما نیازمند یک پیوست رسانه‌ای مناسب برای اطلاع‌رسانی قوی برای مردم در این زمینه هستیم.



داوود صفی‌خانی

در چند روز گذشته، اظهار نظر وزیر ارتباطات در خصوص نوع حضور در شبکه‌های اجتماعی حاشیه‌های زیادی در فضای دیجیتال ایجاد کرد تا در نهایت در دیدار با فعالان بخش خصوصی کسب و کارهای دیجیتال به این موضوع واکنش نشان داد و گفت: اهل فضای مجازی هستیم و در برنامه تلویزیونی هم گفتیم من اهل شبکه‌های اجتماعی هستم و فکر نمی‌کنم کسی آنلاین‌تر از من هم باشد اما قرار نیست که من بنشینم کامنت بخوانم و کامنت پاسخ بدهم. عیسی زارع‌پور ادامه داد: قانون جمهوری اسلامی یک سری پلتفرم‌ها را ممنوع اعلام کرده است و خط قرمز من هم این است که آنجا حضور پیدا نکنم و هر وقت امکان استفاده از این پلتفرم‌ها برای مردم فراهم شد، من هم از آنها استفاده خواهم کرد.»

در شرایط کنونی و در عصر مدرن حضور در فضای دیجیتال به ضرورتی آشکار و بی‌چون‌وچرا تبدیل شده است. افراد روزانه با شدتی فراینده هر روز در حال سپری کردن بخش زیادی از اوقات خود در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستند. این گستر دگی به حدی در حال انجام است که به نظر می‌رسد در آینده‌ای نزدیک، مرزهای بین هویت مجازی و حقیقی را دچار چالش جدی خواهد کرد.

با پیشرفت خارق‌العاده فناوری و عمق عجیب شبکه‌های اجتماعی در زندگی روزانه افراد به نظر می‌رسد که آرام آرام فضای مجازی در حال خارج شدن از کلیشه بعد ثانوی و حاشیه‌ای آن در زندگی انسان‌ها است.

میزان اوقاتی که انسان در طول روز در فضای مجازی سیر می‌کند به حدی است که زبستن بدون آن برای افراد وحشت‌آور و گاه غیرممکن می‌نماید. گویا بخش بزرگی از



زیست انسان مدرن با حضور در فضای مجازی گره خورده است؛ همچنان که افراد روزانه بخشی از فعالیت‌های خود را در شبکه مجازی تولید و بازنشر می‌کنند و همین محتواها در ذهن مخاطبان اثرگذاری بسیاری در رابطه با دیدگاه شخصی ایجاد می‌کند و به مانند کنش‌های افراد در فضای حقیقی بخشی از ارزیابی‌های فردی را شکل می‌دهد. تا حدی که دست کم در برخی از حوزه‌ها فضای مجازی به گونه‌ای حیرت‌آور علیه واقعیت حقیقی می‌شورد و خود را بر کرسی واقعیت می‌نشانند و فضای حقیقی را مجبور به همراهی خود می‌کند.

خیلی روشن است که برای فهم بهتر بخش بزرگی از افکار عمومی، خصوصی، مطالبات نخبگان و حتی غیرنخبگان نیاز به حضور موثری در شبکه‌های اجتماعی است. از طرفی با توجه به محدودیت‌هایی که در رسانه‌های رسمی وجود دارد، مشارکت سیاسی شهروندان (که عامل بسیار مهمی برای انعکاس مشکلات در قالب مطالبات است) به سمت شبکه‌های اجتماعی چرخیده است. مردم هر روز و به کرات برای اظهار نظر در مورد موضوعات مختلف و بیان مطالبات از شبکه‌های اجتماعی گوناگونی استفاده می‌کنند و بدیهی

آژانس فضایی ژاپن در همکاری با راکت‌لب به سراغ حذف زباله‌های فضایی می‌روند

بزرگی هستند که روز به روز هم افزایش پیدا می‌کنند و ایمنی و موفقیت مأموریت‌های فضایی آینده را به خطر می‌اندازند. تاکنون تکنولوژی‌هایی مثل تعمیر ماهواره‌ها در مدار زمین برای حل این مشکل در حال توسعه هستند. در مواردی که سخت‌افزار بیشتری نیاز نیست، می‌توان با پرتاب زباله‌های فضایی به داخل اتمسفر آنها را سوزاند و از بین برد. ابتدا، ماهواره ADRAS-J در مأموریت خود با راکت الکترون در مدار دقیقی قرار می‌گیرد. این ماهواره برای ملاقات با زباله فضایی بزرگی طراحی شده که

شرکت هوا و فضای خصوصی راکت‌لب (Rocket Lab) در همکاری با آژانس فضایی ژاپن (JAXA) و شرکت استرواسکیل (Astroscale) قصد دارد تا در مأموریتی آزمایشی به جمع‌آوری زباله‌های فضایی بپردازد. ماهواره ADRAS-J شرکت استرواسکیل با راکت الکترون راکت‌لب به فضا خواهد رفت تا زباله‌های فضایی را جمع‌آوری کند. جاکسا در همکاری با استرواسکیل این ماهواره را برای فاز اول پروژه تجاری حذف زباله‌های فضایی خود انتخاب کرده است. زباله‌های فضایی مشکل

دولت‌ها و مسوولان می‌آیند و می‌روند، اما طرح‌ها، پروژه‌ها و مشکلات همواره می‌مانند. رسانه‌ها و افکار عمومی هم به علت انباشت مشکلات قبلی و زایش طرح‌ها و پروژه‌های جدید، با فراموشی مواجه بوده و هستند. ما اما تلاش کرده‌ایم تا به شکلی ثابت پیگیر سرنوشت مسایل و طرح‌های حوزه کاری خود باشیم. به همین منظور فهرست حاضر که در آینده اصلاحات بیشتری روی آن اعمال شده و موضوعات بیشتری به آن اضافه خواهد شد، مرصفاً به عنوان یک حافظه عمل خواهد کرد و هر از گاهی اقدام به باز نشر آن خواهیم کرد. در دوره این باز نشرها طبعاً

موضوعات و سوژه‌هایی از «حافظه حوزه ICT کشور» کم یا اضافه خواهد شد که اطلاع‌رسانی لازم در خصوص آنها را انجام خواهیم داد. تحریریه هفته‌نامه عصر ارتباط معتقد است که این فهرست قطعاً ناقص بوده و موضوعات متعددی باید به آن اضافه شود تا به عنوان شاخص و داشبوردی در مقابل مردم و مسوولان بخش‌های متخلف کشور عمل کند. لذا از تمامی علاقه‌مندان و فعالان نیز دعوت می‌شود موارد مد نظر خود را از طریق ایمیل report@asreertebat.com یا شماره تلفن ۰۲۲۳۴۵۲۹۴۷۸۸ به ما اعلام کنند.

مهلت شش ماهه اصلاح سامانه‌های دولتی

شورای اجرایی فناوری اطلاعات در جلسه ۲۸ فروردین ۱۳۹۶ براساس پیشنهاد وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات آیین‌نامه اجرایی استقرار چارچوب تعامل پذیری دولت الکترونیکی را به تصویب رساند. بر این اساس تمامی دستگاه‌های اجرایی موظف شدند حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از ابلاغ مصوبه نسبت به اصلاح یا تکمیل پایگاه اطلاعاتی و یا بازطراحی سامانه‌های اطلاعاتی اقدام کنند که البته همچنان بسیار باز دستگانه این کار را نکرده‌اند.

پیوست فناوری طرح‌های کلان

۱۸ فروردین ۱۳۹۶ رییس‌سندیکی صنعت مخابرات از تدوین پیوست فناوری برای طرح‌های کلان ICT دارای شریک خارجی خبر داد و اعلام کرد هدف این سند انتقال دانش فنی در قراردادهای خارجی است. این سند باید پس از تأیید و تصویب توسط وزیر ارتباطات به منظور طرح در ستاد اقتصاد مقاومتی ارسال شده و به تصویب می‌رسد که البته همچنان این اتفاق نیفتاده است.

سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات

با وجود آنکه قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات سال ۸۸ تصویب شده اما تا تیرماه سال ۹۶ با وجود الزام قانون و ابلاغ آیین‌نامه آن، راه‌اندازی سامانه به تعویق افتاده بود. حال اما با وجود راه‌اندازی سامانه همچنان بسیاری از ۴۸۰ دستگاهی که باید در این سامانه عضو شوند به آن متصل نشده‌اند.

تجمیع داده‌های مدیریت بحران

مرکز کنترل هماهنگی عملیات سازمان امداد و نجات از پنج سال قبل نرم‌افزار جامع اطلاعاتی مکانی را راه‌اندازی کرده است. این نرم‌افزار به لحاظ زیرساختی ظرفیت آن را دارد که سایر ارگان‌ها نیز به آن متصل شده و ضمن به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات خود از خدمات آن منتفع شوند؛ اتفاقی که تاکنون همچنان محقق نشده است.

ایجاد شهر هوشمند خوارزمی

۱۶ خرداد ۱۳۹۶ یکی از اعضای هیات‌مدیره شرکت عمران شهرهای جدید از رازینی با کسره جنوبی برای امکان‌سنجی ایجاد شهر هوشمند برای شهر جدید «خوارزمی» خبر داد که قرار بود در جنوب شرقی تهران احداث شود. همچنین توسعه مشترک تحقیقات روی تکنولوژی ساختمان‌ها نیز یکی دیگر از قراردادهای امضاشده در تفاهم‌نامه با کره جنوبی بود که تا این لحظه هیچ گزارشی در خصوص دستاوردهای عملی این تفاهم‌نامه‌های امضاشده یا گره‌ای‌ها منتشر نشده است.

اتصال منازل به فیبر نوری

وزیر وقت ارتباطات و فناوری اطلاعات در اوایل بهمن‌ماه سال ۹۴ وعده اتصال منازل به فیبر نوری را مطرح کرد و گفت فیبررسانی به منازل و محل کار مردم از ابتدای سال ۹۵ آغاز خواهد شد. این وعده البته جزو مأموریت‌های اپراتور چهارم ایران‌نانت بود که محقق نشده و حتی سرنوشت این اپراتور هم در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

سامانه‌های چکاوک ۲ و ۳

هشتاد خرداد ۱۳۹۶ دبیرکل بانک مرکزی از راه‌اندازی سامانه‌های چکاوک ۲ و چکاوک ۳ خبر داد. چکاوک ۲ قرار بود موجب تجمیع آمار چک‌های درون‌بانکی با آمار چک‌های بین‌بانکی، توسط بانک مرکزی شود. ایجاد امکان واگذاری چک به مقصد حساب‌های دولتی نزدیک مرکزی از شعب‌بانکی فصل‌قط کشور نیز قابلیت‌ویژیهی بود که قرار بود چکاوک ۳ ایجاد کند. اما همچنان نسخه‌های ۲ و ۳ چکاوک عملیاتی نشده‌اند.

فیلترینگ هوشمند

فیلترینگ هوشمند طرحی بود تا در عین حال که دسترسی به شبکه‌های اجتماعی مقدور باشد صفحات غیر اخلاقی و مغایر با موازین نظام فیلتر شود. آن‌طور که منابع رسمی وزارت ارتباطات گفته‌اند، برای اجرای طرح فیلترینگ هوشمند احتمالاً بیش از ۱۱۰ میلیارد تومان قرارداد میان وزارت ارتباطات و متخصصان در بحث فیلترینگ هوشمند پیش از این منعقد شده که البته اطلاعی از سرنوشت و خروجی آن نیست.

ضرورت «ورژن گذاری» برای مراحل تحقق شبکه ملی اطلاعات



عباس پورخصالیان

منظور از «ورژن گذاری» برای مراحل تحقق شبکه ملی اطلاعات این است که مثلاً مرحله آغاز عملیات آماده سازی برای اجرای «شبکه ملی اطلاعات» را «شبکه ملی اطلاعات ۰.۰» بنامیم و مرحله اجرای Core یا هسته شبکه ملی اطلاعات را «شبکه ملی اطلاعات ۱.۰» بخوانیم و همین طور الی آخر، فرضاً «شبکه ملی اطلاعات ۶.۰» برای مشخص کردن مرحله اجرای نیازمندی های برنامه ششم توسعه، به چند دلیل زیر، اضافه کردن شماره «ورژن» در نام «شبکه ملی اطلاعات» نسبت به اسم صاف و ساده «شبکه ملی اطلاعات» ترجیح دارد.

نخست، اصطلاح «شبکه ملی اطلاعات» در دولت های پیشین آنچنان مورد سوء استفاده قرار گرفته و مسخ شده است که صحبت کردن از آن بدون «ورژن»، گمراه کننده گوینده و شنونده است. پس اگر وزیر جدید ارتباطات و فناوری اطلاعات در دولت سیزدهم، شبکه ملی اطلاعات مورد نظرش را (به روایت خودش) اساس، محور و آرایش جدید وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در دوره جدید می نامد، و تحقیقش را در تمام لایه های فضای ارتباطی کشور درخواست می کند و مایل است فرمانده میدان ارتباطات کشور باشد و مسوولیت اجرای آن را به عهده بگیرد، بهتر بود به جای استفاده از اصطلاح صاف و ساده ولی مخدوش شده «شبکه ملی اطلاعات» از نامی ورژن گذاری شده استفاده می کرد که بازتاب دهنده مفهوم و مضمون نوین شبکه ملی اطلاعات و منعکس کننده مرحله پیشرفت آن، متناسب با مرحله ای باشد که در دست اجرا است یا اجرا شده است. اصلاً

از روز اولی که واعظی، وزیر اسبق وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در دولت یازدهم قصد کرد قدمی در راستای تحقق شبکه ملی اطلاعات بردارد، بایستی مراحل تحقق شبکه ملی اطلاعات را «ورژن گذاری» می کرد و مثلاً می گفت: «نگارش یکم شبکه ملی اطلاعات» یا «شبکه ملی اطلاعات ۱.۰» در دست اقدام است. اکنون وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات در دولت سیزدهم می تواند (به پیشنهاد نگارنده) از ورژن گذاری در نام شبکه ملی اطلاعات برای شفاف سازی اقدامات در دست اجرا یا اجرا شده استفاده کند. او اگر این کار ساده را به شیوه پیشنهادی نگارنده یا به شیوه ای دیگر که به ذهنش می رسد، انجام ندهد، ناخواسته خود و مخاطبان را گمراه می کند و بر ابهامات موجود در مورد شبکه ملی اطلاعات، می افزاید.

ضرورت انبار گردانی در مجموعه شبکه های کشور

به طور کلی به فرایند و نتیجه تعیین نوع و مقادیر موجود در انبارها در پایان هر دوره به منظور پی بردن به چیرستی و چندی داشته ها و نداشته ها، انبار گردانی می گویند. از آنجا که معنی کاربردی شبکه ملی اطلاعات در ایران همانا «انبار» و «انبار» و «اجتماع شبکه های ارتباطات الکترونیکی» موجود در کشور، در قالب یک اصطلاح است، پس در آغاز کار وزیر جدید ارتباطات و فناوری اطلاعات، برای اوانجام چند اقدام ضروری است:

اقدام نخست: وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دستور انبار گردانی در «انبار» یا مجموعه شبکه های ارتباطی موجود در کشور را بر اساس روالی معین هر چه زودتر صادر کنند تا معلوم شود منظور از «شبکه ملی اطلاعات»، جمع جبری همه شبکه های اجتماعی، ارتباطی، مخابراتی، داده ای و اینترنتی از قبل موجود در کشور نیست، بلکه منظور، شبکه ای است با ویژگی های معین و به طور مشخص مرزبندی شده نسبت به سایر شبکه های کشور.



اقدام پنجم: تعیین ویژگی های مربوط به کاربری، مثل صرفاً حاکمیتی بودن شبکه «یکپارچه ملی اطلاعات» یا عمومی بودن کاربری آن.

اقدام ششم: مشخص کردن نوع طراحی و اجرای آن، به عنوان شبکه ای بسته یا نیمه بسته و یا باز، به عبارت دیگر به مثابه اینترنت یا اینترنت و یا اینترنت.

اقدام هفتم: تعیین مجری شبکه ملی اطلاعات است. باید معلوم شود که وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، مجری شبکه ملی اطلاعات است یا وزارت کشور؟ و یا نهادی فراهولتی؟

اقدام هشتم: تشکیل یک PMO در ذیل نهاد مجری شبکه ملی اطلاعات است. در ضمن، PMO به عنوان دفتر مدیریت پروژه های تحقق شبکه ملی اطلاعات عمل ند. این دفتر باید اقدام های بعدی در راستای برنامه ریزی راهبردی برای تحقق شبکه ملی اطلاعات را بر عهده گیرد.

اقدام دوم: در فرایند انبار گردانی مذکور، شبکه هایی که مختص ارتباطات اینترنتی طراحی شده و مورد بهره برداری قرار می گیرند، معین و از دیگر شبکه های ارتباطی جدا دسته بندی شوند.

اقدام سوم: شبکه هایی که مختص ارتباطات اینترنتی طراحی نشده اند ولی با اعمال اقداماتی مناسب، قابلیت برقراری ارتباطات اینترنتی را می توانند پیدا کنند، مشخص شوند.

اقدام چهارم: گزینش نامی است بامعنا برای اجرای پروژه ای که نام قبلی اش «شبکه ملی اطلاعات» بود ولی هیچ وقت اجرا نشد. بدیهی است که نام و مضمون جدید، مثلاً «شبکه یکپارچه ملی اطلاعات» یا «شبکه ملی اطلاعات X.۰» باید مورد تصویب رسمی توسط مراجع ذی صلاح کشور قرار گرفته و اجماعی عمومی بر اطلاق آن نام، حاصل شده باشد.

همکاری مشترک مایکروسافت، نوکیا و استرالیا برای توسعه فناوری های فضایی

اخیراً طی همکاری بزرگی شرکت نوکیا، مایکروسافت و فرمانداری جنوبی استرالیا با یکدیگر قراردادی در راستای توسعه فناوری های فضایی امضا کردند و حالا با شراکت سه گانه جالب توجهی روبه رو هستیم. شرکای قرارداد قصد دارند تا فناوری های فضایی 5G، هوش مصنوعی و سایر تکنولوژی های نوپا را با یکدیگر ترکیب کنند تا بتوانند عصر دیجیتالی جدیدی را در دنیا تعریف کرده و به توسعه صنعت فضایی استرالیا کمک کنند.

گروه فضایی «Azure» مایکروسافت با میهمان نوازی فرماندار جنوبی استرالیا، استیون مارشال روبه رو شد و حالا دفتری در لات فورتین استرالیا برای خود تاسیس می کند. علاوه بر این، استیون مارشال اعلام کرد که در آینده این همکاری با مایکروسافت و نوکیا می تواند جایگاه صنعت فضایی استرالیا را در جهان مستحکم تر کند. این همکاری بین مایکروسافت، نوکیا و فرمانداری جنوبی استرالیا

می تواند به توسعه تکنولوژی های جدید با استفاده از فناوری فضایی 5G و در عین حال افزایش موقعیت های شغلی استرالیا بینجامد. اما باید گفت که این ها تنها اهداف این همکاری نیست. این سه قصد دارند تا در این همکاری خود بتوانند تنوع بیشتری در آموزش و ایجاد مشاغل در زمینه علوم طبیعی، فناوری، مهندسی و ریاضیات به وجود آورند. این چهار زمینه را اصطلاحاً STEM می نامند که مخفف

Science، Technology، Engineering و Mathematics است. این همکاری اهداف بسیار بیشتری نسبت به اولین شراکت تیم فضایی «آژور» مایکروسافت با شرکتی دیگر دارد. مدتی پیش، مایکروسافت و شرکت هیولت پکارد (Hewlett Packard Enterprise) با یکدیگر همکاری کردند تا بتوانند به فضانوردان ایستگاه فضایی بین المللی کمک کنند تا از ظرفیت محدود اینترنت در این ایستگاه حداکثر استفاده را بکنند.

لوايح پنج گانه حقوق فناوری اطلاعات

پنجم اسفند ماه ۱۳۹۶ پنج لایحه مرتبط با نظام حقوق فناوری اطلاعات و ارتباطات برای ارایه به هیات دولت رونمایی شد. حمایت از اطلاعات و حریم خصوصی افراد در فضای مجازی، مسوولیت ارایه دهنده گان خدمات حوزه فناوری اطلاعات، شناسه های الکترونیکی، حکمرانی الکترونیکی و تراکنش های الکترونیکی از جمله این پنج لایحه بودند که قرار بود در مجلس مصوب و به قانون تبدیل شوند که البته همچنان خبری از سرنوشت آن نیست.

ارز دیجیتالی داخلی

چهارم اسفند ۱۳۹۶ بود که وزیر ارتباطات در توییتی وعده ایجاد ارز دیجیتالی داخلی توسط پست بانک را مطرح کرد. جهرمی، هشتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ این بار از آماده سازی مدل آزمایشی ارز دیجیتالی ایرانی خبر داد. با این وجود تا این لحظه همچنان خبری از سرنوشت، کارکرد و خروجی ارز دیجیتالی ملی نیست.

۱۰ برابر کردن محتوای الکترونیکی

پروژه ۱۰ برابر کردن تولید محتوای داخلی با رویکرد کسب و کار دیجیتالی در سال ۱۳۹۵ به تأیید ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی رسید. در این مقطع حدود ۴۰ میلیارد تومان به این پروژه اختصاص یافت و قرار شد با توسعه محتوا تأثیر قابل توجهی بر حوزه های علمی، پژوهشی و اقتصادی کشور گذاشته شود. آخرین خبر از این طرح اما این است که ظاهراً اجرای آن به طور کلی از اولویت های پروژه اقتصاد مقاومتی خارج شده است.

ماهواره های ایرانی

از ۱۵ اسفند ۱۳۸۴ که اولین تلاش ها برای ساخت ماهواره داخلی صورت گرفت تا کنون ۹ ماهواره ساخته شده که علی رغم صرف هزینه های میلیون دلاری، وضعیت هر یک نامعلوم تر از دیگری است. در آخرین مورد رییس سازمان فضایی اعلام کرده، طبق بررسی های کارشناسانه در مورد ماهواره مصباح به این نتیجه رسیده ایم که هزینه های پرتاب این ماهواره بسیار بالاست و ارزش ندارد که آن را به فضا بفرستیم.

زباله های الکترونیکی

سال ۱۳۸۹ مصوبه ای قانونی تکلیف زباله های الکترونیکی را در کشور مشخص کرد با این وجود این مسوولیت همیشه پاسکاری شده است. پس از آن، هجدهم اسفند ماه ۱۳۹۴ وزارت ارتباطات با سازمان محیط زیست یک تفاهنامه در خصوص این زباله ها به امضا رساندند که البته همان طور که قابل پیش بینی بود این تفاهنامه نیز تکلیف زباله های الکترونیکی در کشور را مشخص نکرد.

طرح GNAF

در ۲۱ تیر ماه ۱۳۹۴ محمود واعظی وزیر وقت ارتباطات مصوبه مربوط به «نظام ملی آدرس گذاری کشور» (GNAF) را برای اجرا به تمام دستگاه های اجرایی کشور ابلاغ کرد. در این نظام امکان بررسی و صحت سنجی آدرس به همراه موقعیت جغرافیایی مقدور است و همین امر می تواند باعث بالا رفتن ضریب ایمنی سایت های دولتی شود که پیشرفت دقیق و نتیجه این طرح که اجرای آن به عهده شرکت پست بود، مشخص نیست.

برنامه دفاع سایبری

رییس مجلس شورای اسلامی در ۲۸ اسفند ماه ۱۳۹۵، قانون برنامه ششم توسعه کل کشور را که توسط شورای نگهبان تأیید نهایی شده بود، به منظور اجرا به رییس جمهور ابلاغ کرد. در قانون برنامه ششم توسعه کشور، برنامه دفاع سایبری مناسبی برای افزایش چتر امنیت سایبری پیش بینی شده بود که البته تا این لحظه هیچ آماری از پیشرفت آن منتشر نشده است.

طرح تکاپو

از دی ماه سال ۱۳۹۳ با مصوبه شورای عالی اشتغال برای توسعه اشتغال مبنی بر «مزیت های استانی» با عنوان «توسعه کسب و کار و اشتغال پایدار» یا «تکاپو» در دستور کار قرار گرفت و آنگونه که مجربان طرح می گفتند بهمن ماه ۹۴ در کار گروه شورای برنامه ریزی استان تصویب و از سال ۹۵ وارد فاز اجرایی شد. با این وجود تاکنون نتیجه تخصصی از میزان اشتغال به وجود آمده از جمله ایجاد ۱۳۰ هزار شغل در بخش ICT نیست.

سند مراقبت از کودکان در فضای مجازی

دوم آبان ماه سال ۱۳۹۶ وزیر ارتباطات از رونمایی سند مراقبت از کودکان در فضای مجازی در روز ۱۳ آبان و همزمان با روز دانش آموز خبر داد. با این وجود تاکنون خبری در خصوص رونمایی این سند منتشر نشده است. تولید محتوای متناسب با کودک و نوجوان در این فضا نیز در این سند پیش بینی شده بود که از میزان پیشرفت آن اطلاعی در دست نیست.

الزام دولتی ها به نصب پادویش

هجدهم بهمن ماه سال ۱۳۹۶ وزیر ارتباطات ابلاغ استفاده از آنتی ویروس پادویش در دستگاه های دولتی را به عنوان یک دستور حاکمیتی اعلام کرد. اگر چه از همان زمان تاکنون انتقادات متعددی به مخاطر استفاده انحصاری از تنها یک آنتی ویروس مطرح شد لیکن همچنان گزارشی از میزان پیشرفت و اجرای این دستور حاکمیتی از سوی دستگاه های دولتی نیست.

ایمن سازی علاءالدین

۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۷ معاون پیشگیری سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی تهران با اشاره به ضرورت ایمن سازی اماکن نایم پایتخت، گفت: از مسوولان ذی ربط می خواهیم که فشار بیشتری بیاورند تا ساختمان علاءالدین ایمن سازی اش نهایی شود. با وجود آنکه پایتخت تجربه حادثه تلخ پلاسکو را پشت سر گذاشته اما به نظر می رسد هشدارها درباره علاءالدین جدی گرفته نشده و این موضوع نیز همچنان بلا تکلیف بماند.

خروج زیر ساخت از مکالمات بین الملل

پنجم خرداد ماه سال ۱۳۹۷ مدیرعامل شرکت ارتباطات زیر ساخت از کاهش نرخ مکالمات بین الملل از طریق دوصفر، در صورت آزاد سازی آرایه این خدمات در کشور خبر داد. بر این اساس به جای آنکه شرکت زیر ساخت به صورت مستقیم با اپراتورهای بین الملل قرارداد ببندد، فرست اپراتورهای داخلی با طرف خارجی قرارداد بسته و شرکت زیر ساخت تنها بحث تحویل ترافیک را عهده دار باشد.

نظام جامع مالیاتی

حکم مربوط به اجرای طرح نظام جامع مالیاتی به ماده ۵۹ قانون برنامه سوم توسعه و تحت عنوان محدود تر طرح جامع مالیاتی باز می گردد. به همین منظور در سال ۱۳۸۳ اعلام شد که شرکت دیلویت کانادا برای برنامه ریزی و تدوین نقشه راه این طرح دعوت به همکاری شده و در برنامه اجرایی طرح جامع مالیاتی ۲۷ پروژه در پنج محور سازماندهی شده بود که این طرح هنوز به سرانجام کامل نرسیده است.

پروانه اپراتور ماهواره ای

مطالعات اولیه نیازسنجی، امکان سنجی اپراتور ماهواره مخابراتی بومی از سال ۱۳۹۴ توسط سازمان فضایی ایران آغاز شد و چارچوب کلی آن در گولانوری به تصویب رسید. سیزدهم تیر ماه ۱۳۹۷ امامدیر کل سازمان فضایی ایران پس از گذشت سه سال اعلام کرد که بررسی و صدور مجوز پروانه تدوین شده برای فعالیت اپراتور ماهواره مخابراتی در کشور، در دستور کار کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات قرار دارد.

لوايح قمار و شرط بندی

۲۳ تیر ماه ۱۳۹۷ یک عضو کمیسیون مصادیق مجرمانه اعلام کرد که وزارت ارتباطات، وزارت اقتصاد، بانک مرکزی و پلیس نیروی انتظامی با هماهنگی یکدیگر لواichi را به منظور مبارزه با سایت های قمار و شرط بندی به دولت ارایه کرده اند و انتظار می رود در آینده ای نزدیک در صورت تصویب لوايح مذکور، تبدیل به قانون شوند. این لوايح نیز در زمره ناتمام های حوزه قرار دارند.

در میزگرد آنلاین با حضور متخصصان فناوری بانکی و اپراتور تلفن همراه مطرح شد

بازنگری و تعدیل مستند کیف الکترونیکی پول ضروری است

جدال نابرابر راهبران و فین تک‌ها با بانک‌ها در مستند کیف الکترونیکی پول



اصغر باباپور



محمد گرکانی‌نژاد



بافر صمدی

دوستان، ریشه در موضوعات دیگری داشته باشد که در فرمایشات آقای صمدی پررنگ بود و درست و قابل تأمل هم به نظر می‌رسد؛ یعنی اینکه چرا بانک، محور است؟ مگر قرار نبود بانک، محور نباشد؟ دوستان می‌دانند سند اولیه در سال ۹۶ آماده شد که نام آن پرداخت‌بان بود. این سند، سال ۹۷، روی سایت بانک مرکزی قرار گرفت و نظرات، اخذ شد. در آنجا پرداخت‌بان، یک عنصر کاملاً مستقل بود اما بعداً با ابلاغیه هیات وزیران مواجه شدیم مبتنی بر اینکه بانک مرکزی باید اسناد را ارائه کند و موضوع، به سال ۹۸ رسید. در سال ۹۸، آن‌طور که در جلسات کارشناسی متوجه شدیم، سیاست بانک مرکزی در لایه ارشد، یعنی رییس کل و هیات عامل، این بود که دستور هیات وزیران انجام شود. در آن جلسات، حرف‌های بانک‌ها شنیده و جلساتی با فعالان این حوزه نیز برگزار می‌شد (البته این‌ها را در حد نقل قول شنیده‌ام) و آنجا، تصمیم گرفته می‌شود بانک، محور باشد که یک اتفاق کلیدی، حیاتی و مهم محسوب می‌شود. اگر ذهنیت‌های مقرراتی را کنار بگذارم و فقط از منظر کارشناسی نگاه کنم، بنده هم مانند آقای صمدی ترجیح می‌دهم این NTT ها، مستقل باشند، چون معتقدم اگر بانک‌ها قرار است کیف پول راهاندازی کنند، به این سند نیاز ندارند و اسناد بالادستی برای انجام این کار دارند. ضمناً هیچ کس آنها را منع نکرده که از کر و سوییج اصلی جدا کرده و یا کر دوم راهاندازی کنند و از آنجا کار را پشتیبانی کنند و کلوزلوپ نیز داشته باشند و پذیرنده هم بگیرند. با این حال، به نظر من ذات بانک‌ها برای شبکه پذیرندگی ایجاد نشده و هیچ بانکی در دنیا، در این زمینه موفق نبوده است. بنده همان موقع در مباحث کارشناسی عرض کردم بانک، نیازی به این سند ندارد. خاطرم هست در جلسات اولیه که تعدادی از بانک‌های فعال در حوزه کیف پول حضور داشتند، معتقد بودند چرا باید ۲۰ صفحه، سند نوشته شود و یک صفحه کافی است. به اعتقاد آنها، ما تمام مقررات را داریم. بانک، محور است و هیچ کس حق ندارد در این زمینه فعالیت کند و خود بانک تصمیم می‌گیرد چه کار کند. خوشبختانه بانک مرکزی و برخی از بانک‌ها، طی مباحث سنگین چندروزه، نقش راهبر را برنگ کردند و گر نه رویکرد می‌توانست به این سمت برود که بانک، خودش این کار را می‌کند. اگر کار بود گفته شود بانک، محور است و لاغیر، سند می‌توانست یک صفحه باشد اما همان موقع هم این ذهنیت وجود داشت که بانک، جای مناسبی برای این کار نیست کمالاتی که تا کنون این کار را نکرده و آن موقع هم انجام نداده بود که شبکه پذیرندگی راهاندازی کند چون این‌ها نیازمند نهاد ثالث است. اگر اجازه ندهیم فعالان، فین تک‌ها و نهادهای ثالث با دست باز وارد بازی شوند، ممکن است در پیچ‌خورداری بانک‌ها گرفتار شوند که این موضوع، نه تنها در ایران بلکه در همه جای دنیا همین‌طور است؛ جاهایی که نهادهای ثالث با دست باز بوده‌اند، نتوانسته‌اند به خوبی پیش بروند. اینکه یک بانک، اصطلاحاً با گارد باز جلو بیاید، وجود دارد اما این اتفاق، به‌طور سیستماتیک کمتر رخ می‌دهد. پس رویکرد سندن این بوده که ما می‌خواهیم یک NTT به نام راهبر را پررنگ کنیم. برای این کار، ضمن اینکه دستور بالادستی این بود که محوریت باید با بانک باشد و جلسات اصلی با حضور هفت هشت بانک به نمایندگی از بانک‌ها و کاملاً کار گروهی بوده، موضوع به این سمت پیش رفت که اسناد به گونه‌ای نوشته شود تا مسایل مبارزه با پولشویی و غیره نیز در آن وجود داشته باشد و راهبر هم نقش مستقل تری ایفا کند و موجودیت قابل تاملی ایجاد شود. با این حال، بنده موافقم که بانک‌ها تا کنون چندان فعالیتی نکرده‌اند، البته این‌طور نیست که هیچ کاری انجام نداده باشند. برخی بانک‌ها، فعالیت‌هایی را شروع کرده‌اند اما سقف بانک، روی این سند وجود دارد و این امر، یک واقعیت است و قابل نقد هم هست. مباحثی هم مطرح شده که چرا بازنگری نمی‌شود. در این زمینه، باید سیاست‌های بالادستی مشخص شود.

🔴 **بانک‌ها از گذشته تا حالا مدام غری می‌زند که کارمزدهای حوزه پرداخت خرد، کمتر ما را هم در زمینه پرداخت‌ها و هم در زمینه هدایت تراکنش‌های خرد به صورت آنلاین و شبکه‌ها که با توجه به نرخ دلار و تحریم هزینه‌های سنگینی را متحمل می‌شوند، شکسته است.** از طرف دیگر همیشه صحبت بر سر این بوده که تراکنش‌های خرد را به سمت کیف پول هدایت کنیم تا هم ترافیک شبکه و هم هزینه بانک‌ها از آن محل کاهش پیدا کند. در وضعیت موجود، به نظر می‌رسد تا زمانی که کارمزد تراکنش‌ها تغییر نکنند، اتفاقی نمی‌افتد؛ یعنی اگر قرار است

می‌شود، اگر قرار باشد از بور و کراسی و تأییدیه‌های بانک عبور کند، تضاد منافع می‌شود. روابط بانک، PSP و موارد دیگر وجود داشته باشد، پاس شود تا در نهایت، نتیجه حاصل شود، کار سخت می‌شود مگر اینکه بر اساس این دستورالعمل، بانک‌ها تعریف خودشان را از آنچه دستورالعمل، مطرح کرده و نقش پیمانکاری است، به پارت‌نر تغییر دهند و آنچه در این دستورالعمل مطرح است به راهبر تفویض کنند؛ یعنی راهبری بیزینس و اکوسیستم در دست راهبر باشد و بانک‌ها از مزایای این سینرژی و کاهش هزینه‌ها بهره‌مند شوند، و گر نه این نوع کار کردن و همکاری، بسیار سخت است. بنابراین با تغییراتی در این سند یا نوع نگاه بانک‌ها امکان همکاری وجود دارد. آنچه درباره MVNO ها اشاره کردید، واقعیت این است که MVNO ها وارد حوزه‌های کسب و کار جدید یا سینرژی با اپراتور که منجر به نفی اپراتور شود، نشدند و عمدتاً MVNO های تحت پوشش اپراتور همان سرویس‌های پایه را ارائه دادند. این امر، اکوسیستم اپراتوری را تهدید می‌کند. در اینجا اپراتور یا هر راهبر دیگر، باید بیزینس مدل خود را با بانک در مسیر افزایش سینرژی قرار دهد و اگر قرار است درآمدی حاصل کند، از طریق تقویت سایر پلتفرم‌های موجود و ایجاد اکوسیستم در سیستم دیجیتال به توسعه برسد. باید منتظر بمانیم و ببینیم آیا در آینده تغییراتی در سیستم بانکی، کارمزدی و غیره رخ می‌دهد یا خیر. اگر تغییرات صورت گیرد اما روند آن قرار دهند، کمک کننده خواهد بود. به هر حال، همکاری می‌تواند صورت گیرد اما روند آن باید طوری تعریف شود که به سمت پارت‌نرشیپ و برد برد حرکت کنیم نه اینکه هزینه خودمان را به گردن اپراتور یا راهبر دیگر بیندازیم.

🔴 **البته در بحث MVNO ها، MNO که اپراتور بود، اختیار عمل را به اپراتور داده بود که با هر MVNO که خودش صلاح می‌داند، وارد تعامل شود.** الان در موضوع راهبران کیف پول نیز اختیار عمل به بانک‌ها داده شده و بانک می‌تواند انتخاب کند با چه کسی کار کند یا نکند. از آنجا که بانک‌ها نیز شرکت‌های پرداخت الکترونیک دیگر، در آنجا هم بانک می‌تواند با راهبران خود کار کند و به دیگران فرصت ورود ندهد. از طرف دیگر طبق مستند، هر راهبر نیز با سه بانک بیشتر نمی‌تواند قرار داد داشته باشد. اینجا همان تعارض منافع است. در مستند فعلی به موضوعات پولشویی و خلق پول، بسیار پرداخته شده است. کمرنگ شدن قابلیت و تأکید بر محدودیت این ابزار، در شرایطی اتفاق می‌افتد که خود بانک‌ها این محدودیت‌ها را به خصوص در حوزه پولشویی و خلق پول از قدیم داشته و اکنون هم دارند؛ یعنی فرایند، روش‌ها و عملیات مبالغ مالی که در این مستند مجدداً بر آن تأکید شده، پیش از این بانک‌ها در حوزه مالی باید آنها را رعایت می‌کردند. بهتر نبود بر اساس وظایفی که قبلاً بر عهده بانک‌ها بود، چندان به این موضوع، ورود نمی‌شد و عملیات بحث ریسک‌پذیری در این ابزار تجاری در اختیار صادرکنندگان پول قرار می‌گرفت؟

🔴 **گرکانی‌نژاد:** ابتدا در خصوص نکات ارایه‌شده توسط دوستان، مواردی را اصلاح کنم. البته قطعاً اشتباه لفظی بوده است. سند کیف پول برای برون‌خط نیست. این‌ها برخط و آنلاین است. وقتی از کیف پول صحبت می‌کنیم، ممکن است رده‌هایی از آن به نظر برسد. ما در حوزه آنلاین با دامنه باز صحبت می‌کنیم. البته آنلاین‌های کلوزلوپ نیز در سند تعریف شده که کلوزلوپ چیست؟ اینکه شخص حقوقی صادرکننده پذیرنده باید یکی باشد. زمانی که تدوین این سند از سال‌های ۹۶ و ۹۷ شروع شد و سیر تطور خاص خود را داشت، می‌دانست مفهوم کیف پول، بزرگ و عام است و باید روی هر کدام از دسته‌ها، تمرکز و مقررات خاصی ارایه کند. بالاخره این تراکنش باید به صورت برخط انجام شود. وقتی وارد معماری این سیستم می‌شویم، باید یک GL بگذاریم و این‌ها را برخط، پشتیبانی کند. در خصوص سوال شما باید عرض کنم برداشت من این نیست که در این سند به برخی موضوعات، بیش از اندازه پرداخته و به موضوعاتی نپرداخته است. به نظر می‌رسد آن میزان که لازم بوده، به مقرراتی مانند پوشش دادن ریسک‌های افراد و مبارزه با پولشویی پرداخته و در جاهایی به موارد دیگری هم پرداخته است. شاید سوال شما و سایر

ایجاد کند که به رگولاتوری بدهد. این هزار میلیارد تومان با هر اغماض از آن، برای شبکه رگولاتوری، قابل اغماض نیست. پس چرا رگولاتوری باید آن درآمد را حذف کند و راهکار جدیدی را مدنظر قرار دهد و بازگران را به این سمت هدایت کند که علاوه بر اینکه ۱۲۰۰ میلیارد رانداشته باشد، قوانینی حاکم کند که از آن محل ۱۲۰۰ میلیارد، کسب کند؟! همین الان این درآمد را دارد و نیازی به این تغییر نیست. پس رنجی وجود ندارد که نیازمند تغییر رفتار باشد. بنده فکری که کم‌آخرین بخش نامه، تحت فشار متولیان صنعت بود که می‌گفتند چرا رگولاتور، کیف پول را راهاندازی نمی‌کند؟ چرا با اینکه این همه امکانات فنی در حوزه پرداخت، با حضور شرکت‌های بزرگ، فین تک‌ها، شبکه مخابراتی و موبایل وجود دارد، کیف پول را عملیاتی نمی‌کند؟ و چرا همچون‌های لازم را ارائه نمی‌کند؟ ابتدا باید بحث ریشه‌ای، یعنی اینکه رفتار به آن آستانه لازم نرسیده، مدنظر قرار دهیم که البته فعلاً در پس پرده نیز همین موضوع وجود دارد. نکته بعدی اینکه اگر هم موضوع به جایی برسد، بالاخره این ۱۲۰۰ میلیارد درآمد باید از جایی تأمین شود و تا مطمئن کامل به این موضوع وجود نداشته باشد که این رقم را کجا تأمین می‌شود، قاعدتاً باید با احتیاط حرکت کرد. اگر این نکات پایه‌ای را مدنظر قرار دهیم، بسیاری از سوالات و ابهامات آینده که چرا این‌گونه عمل شده است، مشخص می‌شود و ما باید سرمنشأ علت را پیدا کنیم. علاوه بر این‌ها، می‌توانیم مواردی را به عنوان علت اصلی اعلام کنیم اما این دو مورد، اصلی‌ترین عللی هستند که نشان می‌دهد تا کنون عزم راسخ نداشته‌ایم که در حوزه کیف پول، آن‌طور که باید و شاید، عمل کنیم تا ۱۰۰ درصد تراکنش خرد به کیف پول منتقل شود.

🔴 **اپراتورهای تلفن همراه، البته غیر از ایرانسل، یعنی همراه اول از سال ۸۹ به دنبال این بوده که کیف پول راهاندازی کنند.** آیین‌نامه سیاست، کمیاب و نظایر آن، بارها دنبال شد اما تا امروز، اپراتورهای جایگاهی برای خودشان باز نکرده‌اند و در مستند جدید نیز جایگاه مشخصی برای اپراتورهای دیده نشده است. اگر قرار باشد اپراتور‌ها در این فضا کار کنند، باید زیر نظر یک بانک، قرار دای را به عنوان راهبر، امضا و عملاً با بانک، کار کنند مانند همان چیزی که در حوزه MVNO اتفاق افتاد و اپراتورها از سمت رگولاتور ملزم شدند با MVNO ها کار کنند. در آنجا هم بنا به دلایل تجاری با ماورد دیگر، MVNO ها نتوانستند برای خودشان بازار کار ایجاد کنند. با مدل فعلی، اگر اپراتور‌ها با شرکت‌های بزرگ دیگر نیز قرار باشد زیر نظر یک بانک وارد فضای کیف پول شوند، شاید آنها نیز نتوانند موفقیتی کسب کنند. نظر شما چیست؟

صمدی: ما هم در سال‌های قبل اقداماتی انجام دادیم اما چون فضای رگولاتوری و قوانین و مقررات شفاف نبود و اگر اقدامی صورت می‌گرفت ممکن بود با قوه قهریه مواجه شویم، طبیعتاً راه به جایی نبرد. در خصوص سوال شما باید عرض کنم در سند هم گفته شده هدف ارایه کیف پول، تسهیل انجام پرداخت‌های بسیار خرد و برون‌خط است. الان هم پرداخت‌های خرد به صورت آنلاین انجام می‌شود و مشکل خاصی نیز وجود ندارد. فقط بانک‌ها معتقدند این تراکنش‌ها، صرفه اقتصادی ندارد و در حال حاضر نیز تراکنش مالی مستقیم زیادی را دارد که SPS ها، شاپرک و بقیه از آن منتفع می‌شوند و بانک‌ها این مبالغ را می‌پردازند. اگر بخواهیم ببینیم این کار، شدنی است یا نه و اینکه بانک‌ها هزینه‌های خود را کاهش دهند، راه‌حل‌هایی وجود دارد. برای رسیدن به این هدف، این کار باید برای آن راهبر، یک‌سری مزایای اقتصادی داشته باشد. یکی اینکه باید مقیاس یا حجم بالایی را ایجاد کند چون هزینه‌ها بالاست و باید آن را کاهش داد یا قسمتی از هزینه‌ها که در سیستم بانکی و جزو هزینه‌های متغیر است، باید کاهش پیدا کند. بنابراین درباره کسانی صحبت می‌کنم که الان اکوسیستم دیجیتال دارند و تمایل دارند از طریق پرداخت نیز آن را توسعه دهند. مسایل فنی مانند توان انجام تراکنش‌های در حد بالا و برخورداری از سرمایه اولیه نیز مطرح است. اگر بخواهیم کمک کنیم تا بانک‌ها، هزینه خود را کاهش دهند و بیزینس مدل مناسبی ایجاد شود، آنها ناگزیرند با این اکوسیستم‌های دیجیتال بزرگ در کشور کار کنند که طبیعتاً یکی از این‌ها، اپراتورها هستند. اکنون این سوال، مطرح است که این سند کمک می‌کند یا خیر؟ این سند در ذات خود، کمک نمی‌کند و به شدت محدود است. وقتی درباره توسعه اکوسیستم دیجیتال یا سینرژی که قرار است بین پلتفرم‌های مختلف از این طریق ایجاد شود، صحبت

کیف الکترونیکی پول، یک ابزار پرداختی با قابلیت ذخیره پول الکترونیکی است که سابقه حضور آن در نظام بانکی کشور به سال ۱۳۹۲ برمی‌گردد. این کیف پول، سه نوع بسته، نیمه‌بسته و باز دارد که در کشور ما عموماً کیف الکترونیکی پول از نوع بسته ارایه می‌شود.

این در حالی است که سال گذشته در چنین روزهایی، آخرین مستند کیف الکترونیکی پول با عنوان «ضوابط فعالیت موسسات اعتباری و راهبران کیف الکترونیکی پول در نظام پرداخت کشور» توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارایه شد. در این مستند، ضوابط مرتبط با راهاندازی و بهره‌برداری از کیف الکترونیکی پول تشریح شده، اما به نظر می‌رسد ضوابط ذکر شده در مستند با شرایط کنونی اکوسیستم پرداخت و فین تک کشور در حوزه کیف پول، مغایر است و در آن، ورود بانک‌ها به موضوع کیف پول در اولویت قرار گرفته است. همچنین به نظر می‌رسد اپراتورهای تلفن همراه و سایر بازیگران بزرگ دیگر که سال‌هاست منتظر ابلاغ قوانین این حوزه بودند، در این بین، نادیده گرفته شده‌اند.

در این زمینه، توجه بیش از حد مستند به موضوعات پولشویی و خلق پول، کمرنگ شدن قابلیت‌ها و تأکید بر محدودیت‌های این ابزار، استفاده از سامانه پایا در موضوع تسویه حساب با پذیرندگان به جای تسویه آتی، محدود شدن تعامل پذیری بین راهبران به نظام متمرکز بانک مرکزی و از بین رفتن رقابت در این بخش، تعارض منافع جدی در مدل کسب و کاری کیف الکترونیکی پول و برخی دیگر از موضوعات، نیازمند بررسی هستند.

از این‌رو، در این میزگرد آنلاین از سلسله نشست‌های تخصصی بانکداری و اقتصاد دیجیتال با موضوع «بررسی فنی و کسب و کاری مستند کیف الکترونیکی پول» که با حضور محمد گرکانی‌نژاد مشاور شرکت ملی انفورماتیک، اصغر باباپور مدیر امور بانکداری مدرن بانک ایران زمین و باقر صمدی معاون دیجیتال شرکت ایرانسل برگزار شد، چالش‌ها و راهکارهای توسعه کیف پول، با توجه به این مستند، مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. آنچه پیش‌روی شماست، مشروح این گفت‌وگوست.

🔴 **در سال‌های گذشته، صحبت از کیف پول الکترونیکی با کیف الکترونیکی پول شده است. با این حال هر چند یک سال از ضوابط ابلاغ‌شده راهبران کیف پول می‌گذرد، اما این ابزار، راه به جایی نبرده است. دلیل این اتفاق چیست؟**

باباپور: بحث کیف پول، مربوط به سال گذشته است. شاید با افزایش تراکنش‌ها و کارمزدهای این حوزه در شبکه بانکی، چهار پنج سال، تقریباً همه متخصصان و فعالان حوزه پرداخت، در پی این موضوع بودند که کیف پول باید به صورت جدی توسط شبکه پرداخت و رگولاتوری آن بررسی شود و در حوزه پرداخت، به‌طور گسترده، برای خود جایی باز کند زیرا تقریباً حدود ۵۰ تا ۵۵ درصد تراکنش‌ها، زیر عدد خرد یعنی زیر ۲۵ هزار تومان است. اگر این عدد را که از نظر فنی، با مالی و حتی ظرفیت تراکنش که در شبکه آنلاین به خود مشغول می‌کند، بتوانیم از شبکه دیگری مدیریت کنیم، هم در بعد هزینه‌ای، سیستم را کارآمد می‌کند و هم از نظر ظرفیت‌سازی که دائماً در حال افزایش است. مانند اینکه سخت‌افزارهایی که در شبکه رگولاتوری استفاده می‌شود، آزاد شده و به بخش‌های دیگر برسد و حتی بهر موری عملکرد رگولاتوری را نیز افزایش دهد. قاعدتاً این موضوع، وجود داشت و در تمام سیمینارهای پرداخت الکترونیک از متولیان رگولاتوری درخواست می‌شد اما به دلایل مختلف مانند مباحث قانونی، پولی و غیره، به تعویق می‌انداختند تا اینکه اولین نسخه الزامات کیف پول در تابستان سال گذشته و دومین بخش نامه که کامل‌تر بود، در اردیبهشت ۱۴۰۰ ارایه شد ولی هیچ اقدام موثری که دال بر این موضوع باشد و مجموعه حاکمیت یعنی رگولاتوری، بخواهد این اتفاق بیفتد و عزم خود را جزم کرده باشد، وجود نداشت. دلایل آن را در ادامه بحث خواهیم گفت. در مباحث روان‌شناسی گفته می‌شود تغییر رفتار، زمانی حاصل می‌شود که در یک موضوع، آستانه رنج به جایی برسد که دیگر ادامه آن ممکن نباشد. در آن نقطه، انسان تصمیم می‌گیرد تغییر عادت و رفتار بدهد. در مباحث مربوط به رفتار بازار و کسب و کار نیز همین‌طور است. وقتی هنوز به آستانه رنج نرسیده‌ایم تا تغییر رفتار بدهیم، عمل‌ان تغییر رویه صورت نخواهد گرفت. اجازه بدهید با آمار و ارقام صحبت کنیم. مادر مردادماه، ۳ میلیون و ۱۰۰ میلیون عدد تراکنش داشتیم که حدود ۵۶ تا ۵۷ درصد آن زیر ۲۵ هزار تومان بوده است. اگر این آمار را تا حدود ۳۰ تا ۳۵ هزار تومان پیش ببریم و این رقم را عدد خرد محسوب کنیم (تقریباً ۱ تا ۱.۵ دلار چون مبنای محاسبه خرید کالا دلار است و البته در آمد، معمولاً با ریال محاسبه می‌شود)، حدود ۶۲ تا ۶۳ درصد تراکنش‌های ما، خرد است. اگر ۶۰ درصد ۳ میلیارد یعنی یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون را ضربدر ۲۵ هزار تومان کنیم، حدود ۵۰ میلیارد تومان به صورت ماهانه درآمد کارمزدی شبکه پرداخت خواهد بود و معادل همین رقم نیز تقریباً درآمد اشتدایی است که بانک صادرکننده در شبکه پرداخت، آن را در پرداخت می‌کند که ۱۰۰ میلیارد تومان می‌شود. ۱۰۰ میلیارد تومان در طول یک سال، ۱۲۰۰ میلیارد تومان می‌شود. بنابراین در آمد رگولاتوری از تراکنش‌های زیر ۲۵ هزار تومان، ۱۲۰۰ میلیارد تومان است. تصور کنید یک شرکت، سازمان یا کارخانه، از طریق تولید، ۱۲۰۰ تومان سود خالص داشته باشد که از آن مجموعه جدا کند و به عنوان مالیات به حاکمیت بدهد. در این صورت باید سازمانی باشد که حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان کالا خریداری کند، تولید کند، ارزش افزوده ایجاد کند، بفروشد، بازاریابی و تبلیغات کند و در انتها، هزار میلیارد تومان، یعنی ۱۰ درصد سود خالص داشته باشد. این هزار میلیارد تومان را هزار میلیارد تومان ببینید، هزار میلیارد تومانی که اگر چرخه بازار حاکم باشد و ریال به ریال آن، درآمد و محاسبه داشته باشد، باید در مجموعه کشور کار کند و ارزش افزوده



وضعیت موجود باشد، کسی که با کارت بانکی در هر جایی می تواند خرید خود را به صورت رایگان انجام دهد، چرا باید در گوشی موبایل، کیف پول رانصب و از آن استفاده کند؟ نکته دیگر اینکه در حال حاضر پروژه **EMV** از سوی بانک مرکزی در حال راه اندازی است و از این طریق پر داخت های بدون تماس، چه از طریق **QR** و یا **NFC** با توجه به استانداردهای **EMV** راه اندازی می شود. در اینجا، کارت هم حذف می شود و موبایل هم که از قبل بوده است، همان کار تی که قبلا دست فرد بوده، روی موبایل می آید و شخص، تراکنش خود را انجام می دهد. چرا در این فضاها، کاربر باید به سمت کیف پول بیاید؟ اصلا چه دلیلی وجود دارد که یک بار کیف پول خود را شارژ کند و سپس پرداخت انجام دهد؟ با این روش، آیا جایگاهی برای توسعه کیف پول وجود دارد؟ حتی برای راه اندازی کیف پول روی موبایل، کاربر باید مبلغی پرداخت کند و مانند افتتاح حساب، هزینه در یافت می شود.

باباپور: وقتی برای راهبر، مینیمم ۵میلیارد تومان سرمایه تعیین می شود، عملا فین تک ها از این بازی حذف می شوند؛ یعنی راهبر به سطح بالاتری مانند اپراتورهای موبایل و شرکت های بزرگی می آید و متفاوت تر از فین تک هایی هستند که در حوزه کیف پول به شدت نیاز دارند این سرویس را در محصولات خوشان ارایه کنند. در این زمینه، عملاندهای ثالث از ابتدا متفاوت هستند. تا زمانی که بانک ها می توانند راهبر باشند، یک بانک تمایل ندارد مسوولیت راهبری را بپذیرد چرا که بانک باید پاسخگوی همه اشتباهات و اشکالات آن راهبر باشد؛ یعنی در یک مقطع، اگر راهبری به هر دلیلی مانند ثبت، نگهداری و رعایت مقررات کیف پول اشتباهی انجام دهد، بانک باید در مقابل رگولاتوری پاسخگوی این موضوع باشد. در این شرایط، بانک سعی می کند خودش راهبر باشد و قوانین و شرایط خود را به نهادهای ثالث تحمیل کند. در مجموع وقتی بانک راهبر باشد، با توجه به مسوولیت هایی که در سند برای بانک گذاشته شده، تمایل ندارد راهبر بگیرد بلکه سعی می کند خودش نقش راهبر را ایفا کند و سرویس کیف پول خود را به بقیه ارائه کند. در حوزه پذیرندگی که آقای گر کانی نژاد معتقدند بانک ها نمی توانند در این حوزه ورود کنند، عملابخش ها و سازمان های دیگر که دوست دارند سرویس کیف پول داشته باشند، بخش پذیرندگی را انجام می دهند و حساب فعال آن را به بانک می آورند اما بانک کاملاً روی این موضوع نظارت دارد تا بحث شارژ، دشارژ، موجودی و سایر قوانین را رعایت کند. در خصوص سوال شما مبنی بر اینکه آیا با این مدل کارمزدی می توان این کار را انجام داد یا خیر، معتقدم خیر!

ظاهر اشامه هم برای مدل کارمزدی، طرحی را مدنظر داشته اید. لطفا درباره آن توضیح دهید.

باباپور: بنده معتقدم بهترین مکانیزم کنترل رفتار بازار، قیمت است. در همه جای دنیا در اقتصاد، قیمت را تعیین می کنند و هیچ وقت در باره مصرف، سیاست گذاری عجیب و غریب نمی کنند. طوری در باره قیمت برنامهریزی می کنند که رفتار اقتصادی مصرف کننده، خودش را با شرایط قیمت، تنظیم می کند. مدل کارمزدی فعلی هیچ گونه تمایلی مبنی بر اینکه قرار است روش راحت کنونی یا حتی دوروش مساوی تغییر کند، وجود ندارد؛ یعنی حتی در شرایطی که یک دارنده کارت، دو یا سه گزینه مساوی برای یک روش پرداخت داشته باشد، همان چیزی که قبلا عادت کرده، ادامه می دهد و نیاز به تغییر رفتار در روش جدید ندارد مگر اینکه ادامه این روش برای او هزینه داشته باشد و رنجی را متحمل کند که روش های دیگر را جست وجو کند؛ مثال می زنم، بانک مرکزی، به هزینه های شبکه پرداخت دست نزداما یک سری کارمزدهای شبکه بانکی مثلا هزینه کارمزد ساتنا و پایا را تغییر داد. الان در بانک شاهدیم وقتی کسی قرار است از ساتنا یا پایا استفاده کند و کارمزد را می پرسد، به او گفته می شود، از آنکه ارزان تر هست، استفاده کنید. وقتی گفته می شود مثلا دو ساعت و نیم بعد می رسد، می گوید اشکال ندارد، همین که امروز می رسد، خوب است؛ یعنی افراد خودشان را تنظیم می کنند و به جای اینکه ۲۵هزار تومان بدهند، ۲۵۰تومان می دهند. البته مبلغ، متفاوت است اما بنده سقف آن را عرض کردم. نکته اینجاست که حتی اگر مدل کارمزدی فعلی مطرح باشد و گفته شود در مدل کیف پول هم می توان از این روش استفاده کرد، فرد تمایل ندارد و می تواند از طریق کارت یا پرداخت دولاملی روی موبایل از طریق **QR** کار کرد خود را انجام دهد. بنابراین از طریق **direct debit** می تواند در یک سری از پذیرندها، مانند مباحث پرداخت عوارض از حسابش برداشت کند و به همین ترتیب در پرداخت غیر حضوری موبایل از حساب اصلی خود برداشت کند تا تعدادی مبلغ تراکنش را از آن سقف پرداخت کند. در این مدل، زمانی این اتفاق می افتد که ادامه این روند برای فرد، هزینه بر باشد؛ یعنی مثلا به فرد گفته شود اگر تراکنش های زیر ۲۵هزار تومان انجام دهد، کارمزد کل شبکه پرداخت را باید پرداخت کند. به عبارت دیگر، آن یک درصد به اضافه کارمزد صادر کنندگی و پذیرندگی دریافت شود. وقتی یک تراکنش ۵هزار تومانی، ۵۰۰، ۱۰۰ یا ۲۰۰ تومان یا هر عددی، روی این کارمزد شارژ می شود اما اگر به کیف پول منتقل شود، کارمزد نداشته باشد و راحت تر باشد و فقط باید یک رقم پایین شارژ شود؛ قطعا تغییر رفتار با این مدل، زیادتر است. به دلیل اینکه بانک های دولتی و خصوصی، اقتصادی رفتار نمی کنند، عملا این کارمزد از طریق بانک ها پرداخت می شود و کسی از جیب خود، پرداخت نمی کند. بانک ها هم به دلیل اینکه از جیب مردم پرداخت می شوند سه ساهدار ها، عملاجلوری رگولاتوری نمی ایستند که قضیه کارمزد، جراحی شود و کسی که از آن استفاده می کند، کارمزد را پرداخت کند. در حالی اگر این اتفاق بیفتد، بهترین روش با کمترین هزینه اتفاق می افتد. درباره کیف پول، مباحث زیادی مطرح شد مبنی بر اینکه اگر کارمزد گذاشته شود، مردم از طریق **ATM** پول برداشت می کنند. در این صورت باید کارمزد برداشت نقد، طوری تعریف شود که اگر فرد در کیف پول انجام دهد، آن کارمزد بسیار پایین تر باشد؛ یعنی اگر شخص به جای اینکه کیف پول خود را شارژ کند، ترجیح دهد از **ATM** برای خریدهای خرد برداشت کند، با محدودیت های سقف برداشت وجه نقد (که الان کارمزد آن توسط بانک صادر کننده پرداخت می شود) و کارمزد مواجه شود. در این حالت اگر فرد بخواهد از حساب خود برداشت کند، چنانچه روش های غیر هزینه ای از طرف بانک، به وسیله اپلیکیشن، رگولاتوری و شبکه پرداخت داشته باشد و کارمزد بالاتری را برای برداشت وجه نقد پرداخت کند، به سمت کیف پول متمایل می شود. بنابراین اگر رگولاتور، شبکه کیف پولی داشته باشد که در آن، هزینه ها به مراتب بسیار پایین تر باشد، فرد برداشت نقد انجام

نمی دهد. با این حال، این ها زنجیره هستند و اگر با هم دیده نشوند و مدل کارمزدی به درستی تبیین نشود، اتفاق خاصی رخ نمی دهد. اگر با رویکرد تک وظیفه ای قرار باشد کیف پول را عملیاتی کنیم و ۶۰ درصد تراکنش های خرد مدیریت شود، بدانیم چه آلترناتیو هایی برای این منظور موثر است و چه رفتار هایی را می توانیم در سناریو های مختلف متصور شویم، بهتر است کارمزد این ها را درست کنیم. اگر کارمزد برداشت وجه نقد اتفاق بیفتد تا در صورتی که مشتری نتواند تراکنش های زیر ۲۵هزار تومان را آنلاین انجام دهد، برداشت نقد انجام دهد، اصلاح شود و سپس برداشت های کیف پول صورت گیرد، همین مکانیزم قیمت به راحتی تغییر رفتار را در شبکه پرداخت ایجاد می کند. کاربر، هوشمند است؛ زمانی که کارمزدها از یک عددی بالاتر رفت و تفاوت، کاملا مشهود شد، کاربر با انتخاب خود، سعی می کند کمترین هزینه را بدهد حتی درباره افرادی که فکر می کنیم به کارمزد فکر نمی کنند، این طور نیست. این رفتار را در بحث موجودی نیز دیده ایم. قبلا افراد دوست داشتند قبل از خرید، موجودی بگیرند چون هزینه ای برای آنها نداشت. در ابتدا عمده تراکنش ها، حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد، مربوط به موجودی بود اما زمانی که کارمزد، ایجاد و برای افراد، پیامکی مبنی بر برداشت ۱۲۰ تومان به عنوان کارمزد ارسال شد، در همان مقطع، این رقم ۲۵ درصد به ۷ تا ۸ درصد کاهش یافت. بنابراین این موضوع که فکر می کردیم برای افراد، مهم نیست، مهم شد. پس کارمزد، حتی اگر عدد ناچیزی باشد به عنوان نقطه تحریک کننده برای روش جایگزین موثر است. به نظرم کار پیچیده ای نیست. بنده وارد سند نمی شوم اما این سند با تغییر ورژن و الحاقیه، قابل بازنگری و تعدیل است. اصل موضوع این است که اگر فرد خرید هزار تومانی انجام دهد و ۵۰تومان کارمزد یعنی ۵ درصد توسط بانک پذیرنده، ارایه شود و احساس کند به ازای هر هزار تومان، مثلا ۲۵ یا ۷۵ تومان هزینه صادر کنندگی و **PSP** را باید خودش بدهد، ترجیح می دهد آن را به کیف پول خود وارد کند و پرداخت از طریق **QR** کند یا کیف پول، انجام می شود. در این حالت، تغییر رفتار اتفاق می افتد اما الان چون فرد، نه هزینه را پرداخت می کند، نه هزینه شبکه آنلاین را می دهد و نه هزینه رگولاتوری پرداخت می کند، تغییر رفتار رخ نمی دهد. اگر محدودیت مصرف، استفاده و قیمت برای این موضوع، برنامهریزی نشود، رفتار افراد هیچ وقت اقتصادی نمی شود. رفتار اقتصادی زمانی رخ می دهد که رنج پرداخت هزینه یا روش سخت تر وجود داشته باشد تا روش جایگزین مطرح شود.

طبق اظهارات آقای فرامرز در گروه، قبلا این مدل با ادبیات دیگری در سال های ۹۴ و ۹۵ ارایه شده است. باید از جنبه دیگری هم به موضوع بپردازیم. فرض کنید در تراکنش های کارت، گفته شود دارنده کارت، کارمزد بدهد و با عددی پایین تر، بدون اینکه کیف پول رایگان باشد، از طریق کیف پول اقدام شود تا فرد به استفاده از آن ترغیب شود. با این حال، ذی نفعان فعال در حوزه کارمزد، گروه های مختلفی هستند، بانک، کارمزد می دهد اما گروه های نهادهایی مانند **SPS ها، شاپرک و شرکت خدمات (چون سوییچ شاپرک را مدیریت می کند) به طور غیر مستقیم آن را برداشت می کنند. اگر قرار باشد بیش از ۸۰ درصد تراکنش ها که خرد هستند، ناگهان از سمت بانک ها، کارمزد پرداخت نشود و صفر شود و به سمت کیف پول هدایت شود تا مردم از کارت به این سمت ترغیب شوند و کارمزد کمتری پرداخت کنند، این کاهش در آمد، کجا نقطه هدف قرار می گیرد؟ در آمد **SPS** ها به شدت کاهش پیدا می کند و به خصوص آنهایی که در بورس هستند، دچار مساله جدی می شوند و خود شرکت های شاپرک و خدمات نیز به واسطه تراکنش های این حوزه، دچار آسیب می شوند. همچنین به نظر می رسد بانک ها هم به خاطر اینکه مالک **SPS** ها، خصوصا شرکت های پرداخت بزرگ، آنها هستند، با مشکل مواجه می شوند. الان دو **PSP** اول کشور، بازار کارت خوان های فروشنگاهی را فتح کرده اند و درآمد خیلی خوبی هم دارند. حالا چنانچه قرار باشد از فردا مین بازی از کارت خوان به سمت کیف پول برود، این دو **PSP** در زمینه کیف پول، آن اقتدار لازم را در این عرصه نخواهند داشت. بنابراین **SPS** هایی اقتدار دارند که هزینه کمتری در شبکه کارت خوان داشته اند و روی اپلیکیشن ها سرمایه گذاری کرده اند. بر این اساس، خود بانک ها و **SPS** ها نیز علاوه بر شاپرک و خدمات که ذی نفع هستند، اجازه توسعه کیف پول را نمی دهند. فکر می کنم با توجه به چار چوب کیف پول در این مستند، چنانچه در حوزه کارمزد، تغییری ایجاد نشود، قطعاً کیف پول راه نمی افتد. آقای گر کانی نظر شما چیست؟**

باباپور: اگر اجازه بدهید قبل از اینکه جناب گر کانی نژاد توضیح دهند، نکته مختصری عرض کنم تا مسیر تازه ای برای ادامه بحث ایجاد شود. بعد از حضور شاپرک، باز یگرانی هستند که ۱۰ سال یا برخی از آنها، ۲۰ تا ۲۵ سال قبل تا کنون، در این عرصه فعال بوده اند. اگر قرار باشد مدل، تغییر کند و درآمد این بازیگران نسبت به شرایط فعلی تغییر کند، هیچ کاری نباید انجام داد. این، غلط است. بنده معتقدم چنانچه با وجود **SPS** هایی که این همه در حوزه سخت افزار، زیر ساخت، دیتاسنتر، شبکه فراد و غیره سرمایه گذاری کرده اند، اگر قرار باشد ۷۰ درصد تراکنش ها به سمت کیف پول سوق پیدا کند، اصلا امکان پذیر نیست و همین کارمزدها با همین مدل باید به همین بازیگران پرداخت شود؛ یعنی حتی نمی توان بازیگران را تغییر داد. نکته اصلی، منشأ پرداخت کارمزد است و اینکه چه کسی باید آن را پرداخت کند. هر چند در خارج از کشور، عمده کارمزد را پذیرنده های دهند، اما در کشور ما، با این نرخ تورم، با این مدل فعالیت بانک ها، مدل درآمدی بانک ها و سایر عوامل، نمی توانیم از پذیرنده ها کارمزد دریافت کنیم! ما نباید در یک سری موارد، خودمان را با مدل های درست خارجی مقایسه کنیم، چون آنجا مدل های بانکداری شان نیز متفاوت است. با تورم ۴۰ درصد سالانه کشور که عمده درآمدها، درآمدهای غیر کارمزدی در شبکه بانکی است، تنها کسی که پایین ترین ریسک را برای پرداخت این کار دارا است، دارنده کارت است! الان ۲۲ بانک خصوصی و غیر خصوصی که عمده آنها شبکه بانک های پذیرندگی هستند، داریم اما با روش بنده، این کارمزد ها بین ۸۳ میلیون نفر تسهیم می شود که جمعیت فعال آن، ۵۰میلیون نفر است.

پس چرا کیف پول راه اندازی می شود؟ چرا مردم باید از کیف پول استفاده کنند؟

باباپور: وقتی این منشأ با همین کارمزد به دارنده کارت منتقل شود، پرداخت ها

مدیریت می شود. مثلا اگر مصرف شارژ، ۲۰هزار تومان باشد، خرید شارژ به صورت هزار تومان یا رقم پایین صورت نمی گیرد و فقط یک بار کارمزد پرداخت می شود. در مدل کیف پول، یک روش جایگزین پرداخت وجود دارد و اگر در طول روز، پنج شش تراکنش پرداختی باشد، می توان مثلا سه مورد آنها را با هزینه بسیار پایین به کیف پول منتقل کرد. بنابراین مبلغی به کیف پول منتقل و هزینه هایی مانند خرید روزنامه، کرایه تاکسی و غیره از روی آن انجام می شود که کارمزد بسیار پایینی مثلا ۱۰ تومان دارد اما اگر قرار باشد شبکه آنلاین بانکی در گیر شود، باید ۵۰ تا ۲۵۰ تومان، حتی کارمزد بانک صادر کننده توسط فرد پرداخت شود! اینجاست که دارنده کارت به دنبال روش های جایگزین بهتر و هزینه کمتر است. بنابراین برای موفقیت در توسعه کیف پول، نباید زلزله در درآمد شبکه **PSP** ایجاد کرد و نباید در آمد رگولاتوری تغییر کند، چون اگر کوچک ترین گوشه در آمد خدمات انفورماتیک، شاپرک و شتاب ساییده شود، اجازه انجام این کار داده نمی شود. سپس وقتی در مدل، یک روش با هزینه پایین تر ارایه شود، منطق آن باید طوری باشد که در آمد، ناگهان از ۱۰۰ به ۱۰ کاهش پیدا نکند بلکه طی یک دوره زمانی به ۷۰ درصد یا ۵۰ درصد یا مانند آن کاهش یابد. در این حالت، به عنوان یک دارنده، حق انتخاب وجود دارد که مثلا تراکنش هزار تومانی نیز آنلاین باشد و هزینه آن پرداخت شود یا از طریق کیف پول صورت گیرد. تنها مکانیزم، همین است!

الان شما همه را از جیب مردم خرج کردید؟!

باباپور: در حال حاضر هم همین طور است. فقط مردم حس نمی کنند!

نکته ما هم همین است که چرا بانک مرکزی در حوزه کارمزد فرهنگ سازی نمی کند و به مردم نمی گوید این کارمزد، الان هم رایگان نیست و در واقع از طریق سود تسهیلات و... آن را به گونه ای پرداخت می کنند. اگر این موضوع، شفاف شود و مردم هم هزینه این کارمزد را پرداخت کنند، حرفی نیست. شما این موضوع را که **SPS ها، شرکت خدمات، شتاب و شاپرک، چقدر از این سهم را برداشت می کنند و آیا عدد آن، منطقی است یا خیر، لحاظ نکردید. حالا به نظر تان چه عددی را باید برای کارمزد پرداخت های کارت، در نظر بگیریم که مردم به سمت کیف پول بروند؟**

باباپور: ما راه را نمی بندیم. بر خورد دیکتاتوری هیچ وقت جواب نمی دهد. نباید محدودیت بگذاریم بلکه باید هزینه بگذاریم؛ یعنی اینکه نباید با این موضوع که مردم حاضرند کارمزد بدهند و آنلاین پرداخت کنند، کار داشته باشیم. اکنون که زیر ساخت ها توسط رگولاتور و **SPS** ها تقویت شده و ماهانه سه میلیارد تراکنش را مدیریت می کنند، همه کارمزدها را باید دارنده کارت بدهد! بعضا معتقدند مردم، رعیت هستند و متوجه نمی شوند در حالی که این طور نیست و وقتی هزینه گذاشته می شود، مردم متوجه می شوند. در این زمینه، شبکه رگولاتوری چندین تجربه موفق داشته است مانند مانده موجودی شما ببینید تراکنش هایی که قبلا در بانک بدون کارمزد بوده، چقدر بوده و الان که کارمزد بر روی خدمات بانکی قرار داده شده، چقدر شده است؟ به محض اینکه کاربر بانک می گوید میزان کارمزد، چقدر است، مشتری آن را مدیریت می کند و کاهش تراکنش، رخ می دهد. ما باید در کنار روش های تراکنش آنلاین، روش جایگزین کیف پول را با کارمزد بسیار پایین مانند ۱۰ یا ۲۰ تومان هم داشته باشیم.

البته پذیرش آن سمت مردم، کار راحتی نیست و اخذ آن از پذیرنده ها قبل موقوف نبوده و دعوای هر تبط با این موضوع خاطر مان هست. آقای گر کانی نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

گر کانی نژاد: دوست داشتم نظرات آقای صمدی را هم در این زمینه بشنوم. چون ایشان در خط مقدم این موضوع هستند و با مردم مواجهند و در این فراز و نشیب ها در حوزه **B2C** و اپراتوری قرار دارند. درباره برخی نظرات آقای باباپور، نکات تکمیلی دارم و دوستان نیز در گروه، کلمات های درستی مطرح می کنند که البته بیانگر پیچیدگی موضوع است. اهمیت این مباحث در این است که نگاه ما را به سویه هایی که به آن توجه نکرده بودیم، جلب می کند و پیچیدگی کار را هم نشان می دهد.

بسیار خوب، پس ابتدا آقای صمدی، نکات شان را بفرمایند و سپس شما ادامه موضوع را مطرح نمایید.

صمدی: بنده هم با صاحبت های آقای باباپور موافقم. اگر بخواهیم اکوسیستم موجود را به هم نز نیم، عملا کار، انجام نمی شود. چند روز پیش با فردی صحبت می کردم که چرا همه جا کپی کارت ملی می خواهند، ایشان که فرد ذی نفوذی بود، می گفت اگر بخواهید کاغذ را حذف کنید، بسیاری از افرادی که منافعی دارند، دچار مشکل می شوند و نمی گذارند این اتفاق بیفتد! بنابراین ممکن است تضاد منافع ایجاد شود. هر آنچه وجود دارد باید ادامه پیدا کند. اگر مردم، سرویس خوب بگیرند، سهولت وجود داشته باشد، امنیت بالاتری دریافت کنند و از سرویس بدون تماس حضوری استفاده نمایند، شاید برخی جاها بتوانند کارمزدهایی ببردارند اما آنچه در این سند ارایه شده، باز دارنده است. اینکه مردم کارمزد نمی دهند و به سمت کیف پول بروند یا ممکن است گفته شود کارمزد بدهند، یک موضوع است اما موضوع دیگری هم وجود دارد. در سند گفته شده به این سپرده ها، پول یا بهر مای داده نمی شود. اگر بانک ها واقعا قرار است از محل کیف پول، صرفه جویی در هزینه ها داشته باشند چرا نمی گویند به هر سپرده ای که در کیف پول قرار می گیرد، بهره بالاتر می دهند تا برای مردم انگیزه قرار دادن پول در کیف پول ایجاد شود و از آن محل، خرید کنند؟ منبع تامین آن نیز صرفه جویی در هزینه بانک ها است. راهکار موجود یکی دادن سود است و دیگر اینکه با انواع و اقسام مزایا در هر دو سمت قضیه توسط بانک و راهبر، کار پیش برود. می توان انواع و اقسام بیزینس مدل های جدید مانند، **loyalty offer**، **cash back**، **micro credit** و غیره ایجاد کرد و با ارایه یک سری مشوق ها، کم کم مردم را به سمت کیف پول کشاند. از طرف دیگر، اگر سیستم کارمزدی از بانک به سمت مصرف کننده سوق داده شود، شاید بتوان بیشتر و بهتر به این اکوسیستم کمک کرد. البته بسیاری موارد دیگر نیز وجود دارد. مثلا می توان سرویس اضافه کرد یا یکپارچگی بین سیستم ها ایجاد کرد تا مصرف کننده با یک بار مراجعه به کیف الکترونیکی پولی، از هر سرویس پرداختی که لازم است، مانند سرویس های شهری، حمل و نقل، تسهیلات پرداخت، دولت الکترونیک و... بهره مند شود. خود بانک این کار ها را انجام نمی دهد و یک نهاد ثالث باید این سرویس ها را مجتمع کند و مثلا به نام کیف الکترونیکی پولی به مردم ارایه شود.

جناب گر کانی! مردم همین الان هم به واسطه سود تسهیلاتی که پرداخت می کنند، در حال پرداخت کارمزد هستند. البته قاعد تا همه ۸۰ و خرده میلیون جمعیت کشور، وام نمی گیرند. بانک ها هم به دنبال این هستند که وام کلان بدهند و در گیر وام های خرد و مردم با بین دست نشوند تا در نکول وام، برای بانک گرفتاری ایجاد نشود. بنابراین همه مردم هم از وام استفاده نمی کنند که بگوئیم هزینه کارمزد را در سودی که بابت تسهیلات پرداخت می کنند، دوباره به نظام بانکی برمی گردانند. در صد ز یادی از مردم نیز از وام استفاده نمی کنند و اگر قرار باشد اینجا دوباره کارمزد، پرداخت کنند، قضیه متفاوت می شود. با توجه به اینکه اینجا دوستان از زاویه دید کسب و کاری به موضوع نگاه می کنند، لطفا شما از زاویه دید مردم به این مساله بپردازید. در فضای کسب و کاری، مردم نادیده گرفته می شوند و فقط به فکر کم شدن درآمدهای **SPS** ها، شاپرک و خدمات هستند. اگر برای مردم این اعتماد ایجاد شود که با ایجاد این در آمد برای ذینفعان کارمزد، برای آنها نیز اتفاقاتی رخ خواهد داد مثلا سود تسهیلات کمتری پرداخت می کنند یا وام خرد بیشتری به آنها داده خواهد شد، قضیه، مقداری متفاوت خواهد بود. لطفا جنابعالی توضیحات کامل تری در این زمینه ارایه بفرمایید.

گر کانی نژاد: این مساله، مساله ای با ذینفعان متکثر و بعضا با تضاد منافع همراه است و سروشکل دادن آن، نیازمند کار بلندمدت و صبر و حوصله است و چالش ها و تنش هایی به همراه دارد. هر کدام از این پیشنهادها، یک سویه موضوع را پوشش می دهد و سویه دیگر را دچار مشکل می کند. نسبت به فرمایشات جناب باباپور که در همین اکوسیستم با ایشان بوده ایم، حس مستقیم تری داشتم و آقای صمدی، علی رغم اینکه از صنف اپراتوری و موبایل هستند، نیز همین باز خورد را ارایه کردند که برای بنده جالب بود. به اکوسیستم نمی توان به سادگی دست زد. اکوسیستم در مقابل آنچه هست و برای موجودیت خود دفاع می کند. بنده به لحاظ کارشناسی و کاملا شخصی معتقدم باید کارمزدها را با قیمت تمام شده به ویژه در خصوص شتاب و شاپرک بازنگری کنیم. اصلا قانون ما را موظف کرده اما اکوسیستم مقاومت می کند. فکر می کنم آقای امیری در گروه اشاره کردند که در کارت **not present** ها کارمزد در یافت می کنیم و بباییم این کارمزد را صفر کنیم. آنجا **SPS** ها که ذینفع هستند، مخالف بودند که البته آنها هم باید راضی باشند. در می کنیم، اینکه پرداخت یاران می گفتند ما با شما قرار دادی بندیم و کارمزد به شما می دهیم. **SPS** ها مخالف بودند. جالب تر این بود که حتی بانک هایی که این پول را می دادند، به دلایل مختلف، مخالف بودند که وار د این موضوع نمی شوم. بنابراین اکوسیستم مقاومت خاص خودش را دارد. وقتی بقیه دارند، شتاب و شاپرک هم دارند و این امر، واقعیتی است که باید به آن توجه کرد. با این حال شکی نیست که باید در این زمینه، اصلاحاتی صورت گیرد. نکته دیگر اینکه برداشت من با مطالعاتی که داشتم ام این است که در کارمزد، چیزی به نام مدل استاندارد نداریم. فضای فرهنگی، اقتصادی و تجاری کشورها، شرایطی دارند که مدل کارمزدی را بر اساس آن شرایط دیکته می کنند. مثلا مردم چندی در اتحادیه اروپا که مقداری در ها را به روی مقررات باز کرده، در حال تغییرات زیربنایی است. من سال ها فکر می کردم مردم چندی، مدل استاندارد است. در سال ۹۳، یک منظره تلویزیونی بر گزار شد و از یک طرف، طرفداران **SPS** ها، و از آن طرف، اصناف، هر کدام یکی دو نفر حضور پیدا کرده و افرادی را با خودشان آورده بودند که حمایت می کردند و دست می زدند. یادم هست یکی از شنودگان حاضر در این میز گرد که در گروه حضور دارند، نیز از حامیان **SPS** ها بود! استدلال بانک ها و **SPS** ها این بود که هزینه می کنند و تعدادی افراد در آنجا مشغول هستند و از طرف دیگر اصناف می گفتند اگر هزینه دارد، به ما مجوز **PSP** بدهید، ما رایگان سرویس می دهیم. نمی خواهم عرض کنم حرف شان در ست بود یا خیر اما می خواهم بگویم اکوسیستم، مقاومت هایی از این دست و ذینفعان متکثر دارد که مدل های خاصی را پیش می برند. برداشت امروز بنده این است که هر چند فی، مدلی است که ویزا و مستر به واسطه غلبه خود در این بازار راه اندازی کردند و نه تنها هر چند فی می گرفتند بلکه موقع صدور کارت نیز از بانک، پول در یافت می کردند چون به قول خودشان اجازه می دادند بانک ها، ویزا و مستر صادر کنند. ویزا و مستر دور هم جمع شدند و یک جایی را راه انداختند. حتی **EMV** هم از همین جنس است. این ها استانداردها نیست بلکه به عنوان دو فکتو معتقدند در بازار غالب هستند و هر کس قرار است کار کند باید از این سیستم پیروی کند و گر نه نمی تواند به شبکه وصل شود و مردم هم چون سرویس نیاز دارند، دچار مشکل می شوند. اینکه چه کسی مخالف بوده، **SPS** ها و نمایندگان شان در جلسات حضور داشتند و خودشان می توانند بیان کنند. یکی دو بانک هم بنا به دلایلی مخالف بودند و معتقد بودند بهتر است به گونه دیگری اصلاح شود و اینکه کارمزد را صفر کنیم، اتفاق خوبی نیست و ارحل های بینابینی ارایه می کردند می خواستم عرض کنم یک پیشنهاد قابل تأمل با مسائلی مواجه می شود که افراد فکر می کنند یک ذینفع با آن موافق است. پس برای کارمزد مدل استاندارد به معنای اعم و غالب آن نداریم بلکه **best practice** داریم و می توانیم از آن استفاده کنیم. اصلی ترین قانون کارمزد این است که کسی که سرویس می گیرد، باید پول آن را بدهد. حالا وقتی وارد این اکوسیستم می شویم، هر کسی از منظر خودش نگاه می کند.

در پرداخت، **PSP** می گوید من سرویس می دهم، تکلیفم روشن است اما بانک صادر کننده، بانک پذیرنده و هر چند، هر کدام می گویند چه کسی می گوید من سرویس غالب را دریافت می کنم و به دلایل مختلف، سرویس را نمی گیرم، پول نمی دهم. بنابراین این طور نیست که بر اساس اصول استاندارد، خط کش بگذاریم و درصد مشخص کنیم. این پیچیدگی ها، وجود دارد. نکته دیگر اینکه قیمت، عامل تنظیم گری باشد. این حرف آقای باباپور درست است اما ماقانونی داریم که می گوید سیستم بانکی و سرویس دهنده موظفند قیمت تمام شده را دریافت کنند. بنابراین برخی مواقع، قانون، دست سیستم را بسته است؛ یعنی نمی توان با قیمت، بازی کرد و آن را به سمتی سوق داد. بنده موافقم که می توان با قیمت، ذائقه یک سری مشتریان و نه همه آنها را به سمت وسوی سوق داد. چون مردم در این زمینه، فهمیده عمل می کنند

ادامه این میز گرد را در سایت هفته نامه عصر ارتباط به نشانی asreertebat.com بخوانید.

استفاده از روبل دیجیتال، در کمتر از ۱۰ سال قانونی خواهد شد

گذر از بحران با تکیه بر ارزهای دیجیتال

هفته گذشته، وزارت دارایی روسیه اعلام کرد که راهاندازی روبل دیجیتال توسط بانک مرکزی در این کشور، یکی از پروژه‌های کلیدی دیجیتالی شدن در این دهه خواهد بود.

طبق ادعای این وزارت، یکی از پروژه‌های کلیدی آینده در بخش دیجیتالی شدن، راهاندازی روبل دیجیتال قبل از سال ۲۰۳۰ است. «روبل دیجیتال»، سومین شکل پولی است که توسط بانک مرکزی روسیه منتشر می‌شود. راهاندازی روبل دیجیتال به توسعه بیشتر زیرساخت‌های پرداخت، افزایش رقابت و گسترش ابزارهای جدید مالی جدید کمک می‌کند. این ارز همچنین به افزایش دسترسی و کاهش هزینه خدمات برای مردم و مشاغل کمک خواهد کرد.

این در حالی است که بر اساس داده‌های سیستم انتقال بین بانکی سوئیفت، روبل روسیه به یکی از رایج‌ترین ارزهای جهانی در بین ۲۰ ارز تبدیل شده است. این واحد پولی، با سهم ۰.۱۸ درصدی در مبادلات بین‌المللی، در رتبه بیستم قرار دارد. این اولین بار نیست که روبل در رتبه بیستم قرار می‌گیرد. پول ملی روسیه در رده‌بندی دسامبر ۲۰۱۶ نیز در رتبه بیستم با سهم ۰.۲۶ درصدی قرار گرفت.

هنوز محبوب‌ترین واحد پولی جهانی، دلار آمریکا با ۳۹.۳۸ درصد سهم است و پس از آن یورو با سهم ۳۸.۴۳ درصد جای دارد. در جایگاه سوم، پوند انگلیس با سهم کمتر از آن دو معادل ۵.۹۹ درصد قرار دارد. پنج ارز برتر همچنین شامل ین ژاپن (۲.۷۴ درصد) و یوان چین (۲.۱۹ درصد) بودند. از طرف دیگر، مارا روسیه به‌طور جدی پول ملی خود را برای مبادلات بین‌المللی با شرکت‌های تجاری‌اش تبلیغ می‌کند و از معاملات با دلار آمریکا دور می‌شود. سهم روبل در تجارت دوجانبه روسیه با چین از ۱ درصد در سال ۲۰۱۳ به ۵.۷ درصد در سال ۲۰۲۰ رسیده است. با توجه به استراتژی توسعه بازار مالی ۱۰ ساله که روسیه به تازگی منتشر کرده، مسکو تلاش‌های خود را برای افزایش سهم پول ملی خود در مبادلات با شرکت‌های بین‌المللی افزایش می‌دهد.

به گفته یک کارشناس سرمایه‌گذاری از آنجا که بسیاری از کشورهای جهان اخیراً دلار آمریکا را کنار گذاشته‌اند، درصد کاهش آن در حجم کل پرداخت‌های بین‌المللی باعث ورود سایر ارزها شده است؛ بنابراین، با در نظر گرفتن سهم نسبتاً کوچک روبل در مبادلات بین‌المللی، حتی تغییر جزئی در شاخص‌های ارزی بر جسته می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر جایگاه روبل در رتبه‌بندی تأثیر بگذارد.

این کارشناس ادامه داد: بعید است که در پیش‌بینی آینده، مشارکت دلار و یورو در معاملات جهانی به میزان قابل توجهی کاهش یابد؛ زیرا اقتصاد ایالات متحده و اتحادیه اروپا، اینقدر بزرگ و متنوع است که می‌تواند وضعیت جهانی ارزهای خود را حفظ کند.

بانک مرکزی چین نیز ارزش یوان در برابر دلار را ۶۹ واحد افزایش داد. با این حساب، ارزش یوان در برابر دلار به بالاترین میزان در سه ماه گذشته رسیده است. از این رو، برابری یوان - دلار به ۶.۴۴۹۷ یوان در برابر دلار رسیده که از اواسط ماه ژوئن تاکنون، بیشترین سطح به شمار می‌رود. البته در طول هفته گذشته هم ارزش یوان در برابر دلار رشد کرده بود.

به‌طور کلی طی سه هفته گذشته، ارزش یوان به صورت پیاپی در برابر دلار رشد کرده و عاملی که در روزهای اخیر بیشترین تأثیر را در این زمینه داشته، نخستین گفت‌وگوی تلفنی بین روسای جمهور چین و آمریکا از زمان ورود جو بایدن به کاخ سفید بوده است. گوان تائو، مدیر بخش پرداخت‌های بین‌المللی سازمان مبادلات ارزی چین در این باره می‌گوید: در شش ماه نخست امسال، ارزش یوان در برابر دلار روندی W شکل را طی کرده است.

آنهایی که اخبار تجارت را دنبال می‌کنند احتمالاً در چند ماه گذشته متوجه پدیده‌ای جالب و عجیب شده‌اند: چین در حال نابود کردن شرکت‌های اینترنتی‌اش است. این ماجرا زمانی آغاز شد که - یا حداقل اکثر مردم در ایالات متحده زمانی متوجه آن شدند که - دولت عملاً عرضه اولیه سهام شرکت انت فایننشال را کنسل و سپس این شرکت را منحل کرد. جک ما، مؤسس انت و همچنین مؤسس شرکت عظیم تجارت الکترونیکی علی‌بابا، برای ملاقات با دولت احضار و بعد برای چند هفته ناپدید شد. سپس دولت یک جریمه ضدانحصاری [انتی تراست] چند میلیارد دلاری علیه علی‌بابا (که گاهی آن را با آمازون مقایسه می‌کنند) وضع کرده، مرورگر وب محبوبش را از اپ‌استورها حذف کرد، و چند اقدام دیگر نیز علیه این شرکت انجام داد. ارزش امپراطوری تجاری «ما» به شدت سقوط کرده است.

اما «ما» فقط بر جسته‌ترین هدف بود. دولت به دنبال شرکت‌های فین‌تک فناوری مالی دیگر، از جمله شرکت‌های متعلق به دیدی (اوبر چین) و تنسنت (بزرگ‌ترین شرکت رسانه‌های اجتماعی چین) نیز است. وقتی دیدی در حال آماده‌شدن برای عرضه اولیه سهام در ایالات متحده بود، تنظیم‌گران چینی اعلام کردند که در حال بررسی این شرکت بر اساس «مبانی امنیت ملی» بوده‌اند و اکنون قرار است مجازات‌های متعددی علیه آن اعمال کنند. دولت همچنین به اعمال فشار «ضدانحصاری» مبادرت ورزیده است و تنسنت و بایدو - دو شرکت برتر اینترنتی چینی - را به خاطر معاملات سابق‌شان جریمه کرده است. تنظیم‌گران، رهبران شرکت‌های بزرگ فناوری (همچنین شامل بایت‌دنس، شرکت مالک تیک‌تاک) را احضار کردند و احتمالاً آنها را تحت فشار قرار دادند. در حال حاضر شرکت‌های فناوری متعددی در چین در حال «اصلاح‌شدن» هستند.

فهمیدن اینکه چه چیزی در حال رخ دادن است برای کسانی که بیرون از رابطه بسیار پیچیده و مبهم حزب، دولت و کسب‌وکار بزرگ چین قرار دارند بسیار دشوار است. حتی روشن نیست که چه کسی این احکام را صادر می‌کند یا محصل نهایی این سرکوب‌ها چه خواهد بود. به همین دلیل فهمیدن اینکه چه اتفاقی در حال رخ دادن است بسیار سخت است. برخی از مشاهده‌گران این وضعیت را یک کمپین ضدانحصاری می‌بینند، مشابه آنچه که در ایالات متحده یا اتحادیه اروپا در جریان است، رهبران چین چنان که مشهور است می‌خواهند مانع شکل‌گیری مراکز بدیل قدرت شوند، اما آغزب در این رابطه تفاوت زیادی با چین دارد؛ یکی از انگیزه‌های محرک در پس جنبش ضدانحصاری جدید در ایالات متحده، مهار قدرت سیاسی شرکت‌های فناوری بزرگ به‌طور خاص است؛ اگر بخواهید، می‌توانید سرکوب شرکت‌های فناوری چینی را صرفاً یک جنبش نوپرنس در مقیاس بزرگ‌تر در نظر بگیرید.

اما وسعت این سرکوب چینی به تفاوت مهمی اشاره دارد. ایالات متحده پیش از این چند غول شرکتی خود را سر جای‌شان نشانده است - مایکروسافت،

ای‌تی‌اندی، استاندارد اوپل - اما در نهایت صنایعی که این شرکت‌ها بخشی از آنها بودند را نابود نکرد. بعید است که ما شاهد اقدام عظیمی علیه همه شرکت‌های اینترنتی ایالات متحده در آن واحد باشیم، و کنش گسترده اتحادیه اروپا احتمالاً به شکل وضع قوانین جدید خواهد بود و نه سرکوبی سراسری. در مقابل، حمله چین به شرکت‌های فناوری خودش بسیار فراگیرتر به نظر می‌رسد - چین فقط به بزرگ‌ترین شرکت‌های اینترنتی حمله نمی‌کند، بلکه در حال حمله به کل این حوزه است. (یک شاهد مهم در اینجا این است که چین همچنین ظاهراً در حال کاهش دادن سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز است، اگر خواهان رقابت بیشتری هستید، نباید تاز مار‌دان را تارومار کنید!) هر دلیلی که داشته باشد، چین ناگهان دیگر طرفدار صنعتی که ما آن را «فناوری» می‌خوانیم، نیست. این اتفاق عجیبی است چرا که سال‌ها در رسانه‌های غربی طرز فکر مرسوم این بود که داشتن یک بخش «فناوری» برای نوآوری و رشد و غیره حیاتی است. در واقع، سال‌های سال خبرگان و صاحب‌نظران آمریکایی می‌گفتند که اقتصاد چین به خاطر اصرار دولت بر کنترل اطلاعات عقب خواهد ماند، زیرا اصرار دولت بر کنترل اطلاعات، ساختن بخش فناوری در کلاس جهانی را برای چین غیرممکن خواهد کرد! سپس چین به هر روی یک بخش فناوری در کلاس جهانی ایجاد کرد، و حالا عمداً در حال نابود کردن بخش فناوری در کلاس جهانی است که خودش ساخته است. «نوآوری» به سبک آمریکایی دیگر کافی است! اما توجه داشته باشید که چین در حال سرکوب همه شرکت‌های فناوری خودش نیست. برای مثال چنین به نظر می‌رسد که هواوی هنوز از حمایت کامل دولت برخوردار است. دولت با سرعتی متهورانه در حال تلاش برای ایجاد یک صنعت نیمه‌هادی داخلی در کلاس جهانی است و برای رسیدن به این هدف مقادیر کلانی پول را به استارت‌آپ‌ها، حتی نامطمئن‌ترین آنها، بذل و بخشش می‌کند و همچنان مبالغ هنگفتی را نیز صرف هوش مصنوعی می‌کند. آنچه چین در حال نابود کردن آن است فناوری نیست - بلکه شرکت‌های نرم‌افزار اینترنتی است که به‌طور مستقیم با مصرف‌کننده



سروکار دارند و آمریکایی‌ها تمایل دارند بر چسب «فناوری» روی آنها بزنند. به هر حال چرا آمریکایی‌ها «فناوری» را با شرکت‌هایی مثل گوگل، آمازون، و فیس‌بوک یکی می‌گیرند؟ یک دلیل این است که صنعت اینترنتی مصرف‌کننده چیزی است که آمریکا واقعاً در آن خوب است - برخلاف صنایع سخت‌افزار الکترونیک، نرم‌افزار مصرف‌کننده حوزه‌ای است که رقیبان آسیایی سخت‌کوش و جاه‌طلب ما هنوز نتوانسته‌اند ما را در آن شکست دهند. دلیل دیگر این است که شرکت‌های نرم‌افزاری بسیار سودآور هستند - فیس‌بوک در سال ۲۰۲۰ بیش از ۱۸ میلیارد دلار درآمد داشت، یعنی سه برابر میکرون بهانی‌ول و شش برابر سیسکو. شرکت‌های نرم‌افزاری موفق با هزینه‌های جاری پایین، اثرات شبکه‌ای، گنجینه‌های دارایی‌های فکری، ارزش برند قدرتمند و محصولات متمایزشان به‌طور طبیعی تمایل به ایجاد سودهای ناخالص بالا دارند. این امر هم در مورد شرکت‌های نرم‌افزاری کوچک‌تر و هم در مورد شرکت‌های نرم‌افزاری بزرگ صادق است - و از آنجا که ما در آمریکا اغلب تمایل به برابر گرفتن سود و ارزش داریم، این به معنای آن است که ما صنعت نرم‌افزار روبه‌مصرف‌کننده را پرچمدار صنعت خود می‌دانیم، پرچمداری که برای ملت‌مان ارزش اقتصادی بسیار زیادی به بار آورده است.

ممکن است چین به‌سادگی امور را به نحو متفاوتی ببیند. ممکن است دولت چین به این نتیجه رسیده باشد که سود شرکت‌هایی مثل علی‌بابا و تنسنت بیشتر از طریق اجاره‌ها حاصل می‌شود تا ارزش افزوده واقعی - اینکه آنها با بهره‌جستن از مزیت نخستین حرکت‌کننده برای کسب اثرات شبکه‌ای قدرتمند صرفاً روی یک زمین دیجیتال نامولد چمباتمه زده‌اند، یا اینکه نظام مالکیت فکری به نحوی جانبدارانه به نفع این شرکت‌ها کار می‌کند، یا چیزی شبیه به این‌ها. مطمئناً در آمریکا کسانی هستند که عقیده دارند فیس‌بوک و گوگل در مقایسه با سودی که پارو می‌کنند ارزش اندکی تولید می‌کنند؛ شاید رهبران چین نیز به دلایلی که تا همیشه برای ما مبهم باقی خواهند ماند، به همین نتیجه رسیده باشند. اما راستش را بخواهید من حدس

چرا چین در حال نابودی شرکت‌های اینترنتی خود است؟

بخش اول

می‌زنم که در اینجا چیز دیگری در حال وقوع است. اگر به چین و اقتصادش علاقه دارید، یکی از تحلیلگرانی که حتماً باید آثارش را بخوانید دان وانگ است که در GaveKal Dragonomics پژوهش می‌کند، و در نامه‌ای که دان در سال ۲۰۱۹ نوشته است قطعه زیر توجه مرا جلب کرد:

«به نظر من اینکه جهان تصمیم گرفته است اینترنت مصرفی برترین شکل فناوری باشد خیلی عجیب است. برای من روشن نیست که چرا الیلیکیشن‌هایی مثل وی‌چت، فیس‌بوک، یا اسنپ دارند مهم‌ترین کار را در به پیش راندن تمدن ما که در زمینه فناوری شتابان در حال پیشرفت است، انجام می‌دهند. به نظر من کاملاً محتمل است که فیس‌بوک و تنسنت ممکن است برای پیشرفت‌های فناوریانه سود خالص منفی داشته باشند. اب‌هایی که آنها توسعه می‌دهند حواس پرتی‌هایی سرگرم‌کننده عرضه می‌کنند که موجب افول زبایی و سازندگی می‌شوند؛ و شرکت‌ها جوانان باهوش را از حوزه‌های متمرکز بر پژوهش و توسعه مثل علم مواد یا ساخت نیمه‌رسانا به سوی بهینه‌سازی تبلیغات و توسعه بازی‌های رایانه‌ای می‌کشانند. شرکت‌های اینترنتی در سن‌فرانسیسکو و پکن مهارت بالایی در نوآوری در مدل کسب‌وکار و بالابردن اثرات شبکه‌ای دارند، اما نه ضرورتاً در زمینه پژوهش و توسعه و ایجاد مالکیت فکری جدید ... ای‌کاش دست از این فکر برداریم که چون چین اینترنت مصرفی زنده و پرجنب و جوشی دارد پس در فناوری هم پیش‌تاز است. جمعیت زیادی که بازی‌های آنلاین انجام می‌دهند، کالاهای مورد نیاز خانه را آنلاین خریداری می‌کنند، از بیرون غذا سفارش می‌دهند و درب منزل تحویل می‌گیرند، موجب نمی‌شود که یک کشور در فناوری یا علم پیش‌تاز باشد. این‌ها شرکت‌های خوبی هستند، اما به نظر من، نشانه‌های پیشرفت تمدن فناوریانه ما را باید به جای آنها در دستاوردهای علمی و صنعتی جست». شغل دان این است که گوش به زنگ باشد و سر در بیابد که باز یگران و مهره‌ها در چین به چه فکر می‌کنند و بعد آن افکار را به ما منتقل کند.

بنابراین وقتی او شروع به حرف زدن درباره این ایده کرد که فناوری اینترنت مصرفی «فناوری» واقعی نیست، من بلافاصله از خود پرسیدم که آیا رهبران چین نیز به همین موضوع فکر می‌کردند و سپس دان در نامه سال ۲۰۲۰ خود نوشت: «معلوم شده است که در چند ماه اخیر رهبران چین به سوی این دیدگاه حرکت کرده‌اند که فناوری سخت‌آرزشمندتر از محصولات است که ما را به نحوی عمیق‌تر به جهان دیجیتال می‌برند. او امسال اعلام کرد اگر چه دیجیتالی‌سازی مهم است، اما ما باید اهمیت بنیادی اقتصاد واقعی را به رسمیت بشناسیم ... و هرگز صنعت دایه نکینیم.» این اظهار نظر او مقدم بر تصویب مقررات مربوط به اوراق بهادار و ضدانحصار و بنابراین مشت و مال حساسی به بخش مالی بود که امروزه در کنار بخش فناوری جذاب‌ترین بخش‌ها را تشکیل می‌دهند».

ادامه دارد...

آگهی تأسیس

تأسیس شرکت با مسئولیت محدود تماس پردازان خوارزمی در تاریخ ۱۴۰۱/۰۶/۲۸ به شماره ثبت ۴۱۰۵۰ به شناسه ملی ۱۴۰۱۰۲۸۶۰۳۹ ثبت و امضادیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت: موضوع فعالیت شخصیت حقوقی: انجام کلیه فعالیت‌ها در زمینه خدمات سخت‌افزاری کامپیوتری، نرم‌افزار کامپیوتر، به جز (طراحی و عرضه بسته‌های نرم‌افزاری فرهنگی و هنری و رسانه‌ای)، ارائه خدمات مجاز بازاریابی الکترونیکی و غیر الکترونیکی غیر هرمی و غیر شبکه‌ای، پیمانکاری خدمات منشی گویا و تلفنی و سالترا ل حرفه‌ای (در صورت نیاز پس از اخذ مجوزهای لازم)، نمایندگی شرکت‌های داخلی و خارجی، مشارکت و عقد قرارداد با سازمان‌ها و ادارات و شرکت‌ها و موسسات دولتی و غیر دولتی در زمینه موضوع فعالیت شرکت، نمایش اطلاعات مربوط به خدمات و محصولات کسب و کار، به‌شکل آنلاین، ایجاد بستر ارتباطات تلفنی بین کسب و کارها و مشترکین (در صورت لزوم پس از اخذ مجوز لازم) مربوط به سیستم‌های مدیریت ارتباط با مشتریان در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان البرز، شهرستان کرج، بخش مرکزی، شهر کرج، محله حصار، ک، بلوار شهید دکتر بهشتی (قزوین) (میدان دانشگاه، پلاک ۵۰ ساختمان دانشگاه، طبقه همکف، واحد جنوبی کدپستی: ۳۱۹۷۹۳۷۵۵۱ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم الشرکه هر یک از شرکا آقای فرشاد ولی پور به شماره ملی ۱۳۶۰۳۱۸۵۰۱ دارند ۹۹۰۰۰ ریال سهم الشرکا آقای حسینی ولی پور به شماره ملی ۱۶۰۲۱۱۹۷۸۳ دارند ۱۰۰۰ ریال سهم الشرکه اعضای هیئت مدیره آقای فرشاد ولی پور به شماره ملی ۱۳۶۰۳۱۸۵۰۱ به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود آقای حسین ولی پور به شماره ملی ۱۶۰۲۱۱۹۷۸۳ و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضاء: امضاء مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه روزنامه کثیرالانتشار عصر ارتباط جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی‌باشد.

شماره پیگیری: ۰۰۶۲۸۳۷۸۰۷۷۰۴

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری کرج

پروژه اینستاگرام کودکان زیر بار فشار منتقدان متوقف شد

است که کودکان از قبل وارد فضای آنلاین شده‌اند و ما معتقدیم توسعه یک سرویس مناسب که مخصوص آنها است، نسبت به شرایط فعلی برای والدین بهتر است.

همچنین در این بیانیه اشاره شده نسخه‌هایی از یوتیوب (متعلق به اَلقابت) و تیک تاک (متعلق به بابت دنس) برای کودکان کمتر از ۱۳ سال توسعه یافته است.

از سوی دیگر ۴ نماینده دموکراتیک مجلس آمریکا از جمله اد مارکی و ریچارد بلومنتال روز گذشته اعلام کردند از تصمیم فیس‌بوک راضی هستند اما وقفه در توسعه آپ کودکان کافی نیست.

در اوایل ماه جاری میلادی، وال استریت ژورنال گزارشی حاوی داده‌هایی منتشر کرد که نشان می‌داد اینستاگرام تأثیری مخرب بر نوجوانان به خصوص دختران نوجوان دارد و فیس‌بوک تلاش چندانی برای برطرف کردن این چالش انجام نداده است. فیس‌بوک در هفته جاری این گزارش را نادرست خواند.

در سال ۲۰۱۷ میلادی فیس‌بوک یک آپ به نام منستر کیدز عرضه کرد که پلتفرم ارسال پیام برای کودکان کمتر از ۱۳ سال بود و توسط حساب کاربری والدین کنترل می‌شد.

پس از فشارهای نمایندگان مجلس آمریکا و همچنین گروه‌های حامی کودکان، اینستاگرام در بیانیه‌ای از توقف موقت توسعه آپ مخصوص کودکان خبر داده است. چرا که قانونگذاران خواهان اقدام موثرتری هستند. به گزارش رویترز، اینستاگرام توسعه آپ جدید برای کودکان را به‌طور موقت متوقف کرده است. اقدام این آپ متعلق به فیس‌بوک در حالی انجام می‌شود که انتقادات زیادی به پروژه مذکور شده بود.

اینستاگرام کودکان به عنوان آبی در حال توسعه بود که اجازه والدین شرط عضویت در آن بود. همچنین قرار بود در این سرویس محتوای بدون تبلیغ و مناسب کودکان منتشر شود، اما قانونگذاران آمریکایی و گروه‌های حمایت از کودکان به دلیل نگرانی‌های ایمنی از این شبکه اجتماعی خواستند توسعه آن را متوقف کنند.

جاش گولین مدیر ارشد اجرایی مؤسسه «فیر پلی» در این باره می‌گوید: تا زمانیکه فیس‌بوک این پروژه را کاملاً متوقف نکند، همچنان به فشار به این شرکت ادامه می‌دهیم.

اینستاگرام در یک پست وبلاگی اعلام کرد توسعه آپ مخصوص کودکان فرایند درستی بود اما فعالیت مان را به‌طور موقت متوقف کرده‌ایم و همچنان به توسعه ابزارهای نظارت والدین آن ادامه می‌دهیم. واقعیت این

بخش پایانی

مقدمه‌ای بر قراردادهای هوشمند و محدودیت‌های بالقوه و ذاتی آنها



رضا سمیع‌زاده؛ هیات علمی دانشگاه الزهرا

سحر وطنخواه؛ دکترای مهندسی صنایع دانشگاه الزهرا

طرف‌های قرارداد قادر به حل این مساله با استفاده از «اوراکل» خواهند بود. اوراکل‌ها، اشخاص ثالثی هستند که اطلاعات خارج از زنجیره را بازیابی کرده و سپس آن اطلاعات را در زمان‌های از پیش تعیین شده به بلاک‌چین منتقل می‌کنند. در مثال فوق، اوراکل دمای روزانه را کنترل کرده و تعیین می‌کند که رویداد انجماد رخ داده است و سپس این اطلاعات را به قرارداد هوشمند منتقل می‌کند.

اگر چه اوراکل‌ها راه‌حل مناسبی را برای دسترسی به منابع خارج از زنجیره ارایه می‌دهند، اما این فرایند شخص دیگری را اضافه می‌کند که طرفین برای اجرای یک قرارداد هوشمند باید با او نیز قرارداد ببندند، بنابراین مزایای غیرمتمرکز قراردادهای هوشمند حدودی کاهش یافته و همچنین یک «قطعه شکست» احتمالی را نیز معرفی می‌کند. به‌عنوان مثال، ممکن است یک اوراکل دچار نقص سیستم شود و قادر به ارسال اطلاعات لازم به بیرون نبوده، یا داده‌های اشتباه ارایه دهد و یا به‌سادگی از مسیر خارج شود. قراردادهای هوشمند پیش از گسترده شدن، لازم است این موارد را در نظر بگیرند.

توافق‌نامه «نهایی» بین طرفین چیست؟

هنگام تجزیه‌وتحلیل قراردادهای سنتی متنی، دادگاه‌ها سند نهایی و مکتوب مورد تایید طرفین را بررسی کرده تا مشخص شود طرفین موارد قرارداد را رعایت و یا ناقض قرارداد هستند. از دیدگاه دادگاه‌ها هنگامی یک توافق نهایی است که نشان‌دهنده اهداف متقابل به‌طور واضح باشد. در خصوص قراردادهای هوشمند بر مبنای کد، کد اجرا شده و نتیجه‌ای که ایجاد می‌کند نشان‌دهنده تنها شواهد عینی از شرایط مورد توافق طرفین است. در این موارد، تبادل ایمیل بین طرفین مبنی بر اینکه قرارداد هوشمند «باید» چه عملکردهایی را انجام دهد یا بحث‌های شفاهی در این زمینه، احتمالا به کدهای قطعی به‌عنوان تجلی تعیین‌کننده قصد طرفین منجر می‌شود.

درخصوص قراردادهای هوشمند جانبی، دادگاه به متن و کد به‌عنوان یک توافق واحد نگاه می‌کند. این مساله زمانی پیچیده می‌شود که توافق‌نامه متنی سنتی و کد با هم هماهنگ نباشند. به‌عنوان نمونه در مثال بیمه محصولات زراعی که در بالا توضیح داده شد، فرض کنید متن توافق‌نامه مشخص می‌کند که اگر دما به زیر ۳۲ درجه برسد، پرداختی بیمه انجام شده و در صورتی که کد قرارداد هوشمند برای پرداخت، دما را برابر یا زیر ۳۲ درجه در نظر بگیرد. با فرض اینکه توافق‌نامه متنی بیان نمی‌کند که در صورت ناسازگاری، متن یا کد کدام‌یک در اولویت قرار بگیرند، دادگاه‌ها باید تعیین کنند که کد به‌عنوان یک اصطلاح متقابل، مورد توافق قرار گیرد و یا توافق‌نامه کتبی باید ارجحیت داشته باشد.

از برخی جهات دیگر، تجزیه‌وتحلیل نباید در مغایرت با موردی که در آن شروط قرارداد اصلی فارغ از آنچه که در یک برنامه یا سند ضمیمه شده است، باشد. این امر که ناسازگاری بین متن و کد رایانه وجود داشته و نه مابین دو سند متنی، نباید تعیین‌کننده باشد، اما ممکن است دادگاه دیدگاه متفاوتی اتخاذ کند. به‌عنوان یک راه‌حل، طرفین می‌توانند از یک قرارداد متنی استفاده کنند که در آن پارامترهایی که قرارداد هوشمند را راه‌اندازی می‌کنند نه تنها در متن قابل مشاهده بوده بلکه در واقع قرارداد هوشمند را تنظیم کنند. در مثال ما، «کمتر از ۳۲ درجه» نه تنها در متن دیده قابل رویت باشد، بلکه پارامتر را در خود قرارداد هوشمند ایجاد کرده، در نتیجه احتمال هر گونه ناسازگاری را به حداقل می‌رساند.

ماهیت خودکار قراردادهای هوشمند

یکی از ویژگی‌های کلیدی قراردادهای هوشمند توانایی آنها در انجام خودکار و بی‌وقفه تراکنش‌ها بدون نیاز به دخالت انسان است. بااین حال، این امر که قراردادهای هوشمند به‌راحتی قابلیت اصلاح یا فسخ را ندارند مگر اینکه طرفین در هنگام ایجاد قرارداد هوشمند چنین قابلیت‌هایی را در نظر گرفته باشند، برخی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که پذیرش گسترده قراردادهای هوشمند با آن مواجه است، را ایجاد می‌کند.

به‌عنوان مثال، در قراردادهای متنی سنتی، به دلیل اعمال نشدن مجازات‌های موجود، یک طرف قرارداد به‌راحتی می‌تواند تعهدات خود را نقض کرده و اگر یک مشتری ارزشمند، در پرداخت خود تاخیری داشته، فروشنده می‌تواند تصمیم بگیرد که حفظ رابطه تجاری طولانی‌مدت مهم‌تر از هر گونه حق فسخ یا هزینه دیر کرد است. حال، اگر این رابطه به‌صورت یک قرارداد هوشمند باشد، امکان عدم اجرای توافق به‌صورت موقت وجود ندارد. اگر این همان چیزی باشد که قرارداد هوشمند برای آن برنامه‌ریزی شده، تاخیر در پرداخت می‌تواند منجر به برداشت خودکار هزینه دیر کرد از حساب مشتری یا تعلیق دسترسی مشتری به برنامه نرم‌افزاری یا دستگاه متصل به اینترنت شود؛ بنابراین اجرای خودکار توسط قراردادهای هوشمند ممکن است با شیوه عملکرد بسیاری از مشاغل در دنیای واقعی سازگار نباشد.

به‌طور مشابه، در یک رابطه قراردادی متنی، یکی از طرفین ممکن است مایل باشد به‌طور موقت، عملکرد جزئی را به‌عنوان یک عملکرد کامل تلقی کند که ممکن است به دلیل علاقه به حفظ یک رابطه طولانی‌مدت و یا به این دلیل که یک طرف عملکرد جزئی را به بدون عملکرد بودن، ترجیح

دهد. در اینجا، بی‌طرفی موردنیاز برای کد قرارداد هوشمند ممکن است واقعیت نحوه تعامل طرفین قرارداد را نشان ندهد.

اصلاح و فسخ قراردادهای هوشمند

در حال حاضر، هیچ راه‌حل ساده‌ای برای اصلاح قرارداد هوشمند وجود ندارد که این امر سبب بروز چالش‌هایی برای طرفین قرارداد می‌شود. به‌عنوان مثال، در یک قرارداد سنتی متنی، اگر طرفین متقابلاً توافق کنند که پارامترهای قرارداد تجاری خود را تغییر داده، و یا اگر تغییری در قانون ایجاد شده باشد، طرفین می‌توانند به‌سرعت اصلاحیه‌ای را برای این مدیریت تغییر پیش نویس کنند یا به‌سادگی روش خود را تغییر دهند. در حال حاضر قراردادهای هوشمند چنین انعطاف‌پذیری را ارایه نمی‌دهند. در واقع، باتوجه‌به اینکه بلاک‌چین‌ها تغییرناپذیر هستند، تغییر قرارداد هوشمند بسیار پیچیده‌تر از تغییر کد نرم‌افزاری استاندارد بوده که در بلاک‌چین قرار ندارد. در نتیجه اصلاح یک قرارداد هوشمند می‌تواند منجر به هزینه بالاتری نسبت به اصلاح یک قرارداد متنی شده و احتمال خطا را افزایش دهد زیرا طرفین اصلاحات موردنظر خود را به‌طور دقیق منعکس نمی‌کنند.

چالش‌های مشابهی در مورد فسخ قرارداد هوشمند وجود دارد. فرض کنید یکی از طرفین توافق‌نامه، خطایی را کشف کرده که طی آن به‌طرف مقابل حق بیشتری نسبت به حالت توافق شده می‌دهد، یا نتیجه می‌گیرد که انجام تعهدات اعلام شده خود بسیار گران‌تر از آنچه انتظار می‌رفت، خواهد بود. در یک قرارداد متنی، یک طرف می‌تواند بااصطلاح «نقض کارآمد» کند، یعنی در صورتی که تشخیص دهد هزینه انجام آن بیشتر از خسارت‌های آن است، آگاهانه قرارداد را نقض کرده و خسارت ناشی از آن را بپردازد. علاوه بر این، با توقف عملکرد یا عدم انجام یک مرحله، طرف دیگر می‌تواند طرف مقابل را برای ام‌ذکره بر سر راه‌حل دوستانه به میز مذاکره بازگرداند. اما در قراردادهای هوشمند هنوز توانایی پشتیبانی از چنین راه‌حل‌هایی را ندارند.

هدف و محدودیت‌های گنجاندن ابهام مطلوب در قراردادهای هوشمند

عنیت و اتوماسیون موردنیاز برای قراردادهای هوشمند می‌تواند برخلاف نحوه مذاکره طرفین تجاری در مورد توافق‌نامه‌ها باشد. در طول مذاکرات، طرفین به‌طور ضمنی در تجزیه‌وتحلیل هزینه و سود مشارکت دارند، زیرا آگاه هستند که در برخی مواقع تلاش برای اندیشیدن و رسیدگی به هر گونه احتمال ممکن، بازدهی نزولی دارد. طرفین ممکن است مایل به صرف زمان مدیریتی یا هزینه‌های قانونی برای مذاکرات نباشند، یا ممکن است به این نتیجه برسند که شروع فعالیت‌های درآمدزا تحت یک قرارداد اجرایی، بهتر از پرداختن به مسایل حل نشده است. در عوض، محتمل است که بنابر توافق، در صورت وقوع رویداد پیش‌بینی نشده در آن زمان راه حلی پیدا خواهند کرد. به‌طور مشابه، طرفین می‌توانند تصمیم بگیرند که یک مفاد از قرارداد را تا حدودی مبهم در توافق باقی گذاشته تا انعطاف‌پذیری لازم برای استدلال در مورد اینکه این مفاد به نفع آنها تفسیر شود، را داشته باشند.

این رویکرد در مورد قرارداد، در قراردادهای هوشمند پیچیده‌تر شده زیرا در آن به‌کد رایانه‌ای دقیق نیاز دارد که در مذاکره قراردادهای متنی یافت نمی‌شود. یک قرارداد هوشمند نمی‌تواند شامل شرایط مبهم بوده و همچنین سناریوهای احتمالی خاص را نیز نمی‌تواند بدون بررسی نادیده بگیرد. در نتیجه، طرفین قراردادهای هوشمند ممکن است که هزینه مذاکره قراردادهای هوشمند پیچیده را بیشتر از قراردادهای

سنتی متنی بیابند. تعیین کردن میزان هدفمندی مفاد به منظور اجرای قرارداد هوشمند توسط افراد مستلزم زمان خواهد بود. همان‌طور که اشاره شد، تا به امروز، اکثر قراردادهای هوشمند وظایف نسبتاً ساده‌ای را انجام می‌دهند که به‌صورت پارامترهای تحت عبارات «اگر/آنگاه» مشخص می‌شود. باافزایش پیچیدگی قراردادهای هوشمند، ممکن است طرفین در مورد چگونگی استفاده از یک مفاد قراردادی خاص از طریق عینیت موردنیاز یک قرارداد هوشمند، اختلاف‌نظر داشته باشند.

آیا قراردادهای هوشمند واقعا پرداخت را تضمین می‌کنند؟

یکی از مزایای مهم قراردادهای هوشمند انجام پرداخت‌ها بدون نیاز به اخطار یا سایر هزینه‌های وصول و بدون نیاز به مراجعه به دادگاه برای دریافت حکم پرداخت، به‌صورت خودکار است. این امر در موارد ساده از دقت کافی برخوردار است اما در روابط تجاری پیچیده ممکن است برخلاف آن حاصل شود.

در حقیقت طرفین دائم‌السرمایه خود را در سراسر سازمان جابه‌جا کرده و مجموع مبالغی را که قرار است در یک قرارداد بلندمدت مقرر شود، مسکوت نمی‌گذارند. به‌طور مشابه، بعید است شخصی که وام دریافت کرده، مبلغ کامل وام را در کیف پول مشخصی که به قرارداد هوشمند مرتبط است، نگه دارد. در عوض، وام‌گیرنده از این وجوه استفاده کرده و بازپرداخت‌های لازم را تأمین می‌کند.

اگر یکی از طرفین به‌واسطه قرارداد هوشمند مبلغی را بدهکار باشد و نتواند کیف پول را به‌موقع تأمین کند، قرارداد هوشمند که به دنبال انتقال پول بوده متوجه می‌شود که منابع لازم در دسترس نیست. پیاده‌سازی لایه‌ای دیگر در این فرایند همچون پیگیری قرارداد هوشمند برای برداشتن وجوه از کیف پول‌های دیگر یا از طریق منابع دیگر در صورت عدم اعتبار کافی این کیف پول‌ها یا سایر منابع مالی راه به جایی نخواهد برد. ممکن است طرفین به منظور حل این موضوع از طریق یک قرارداد متنی اقدام کنند تا کیف پول مرتبط با قرارداد هوشمند همیشه یک حداقل مقداری را داشته باشد و در صورتی که اختلافی بروز دهد، این راه‌حل به‌سادگی می‌تواند استدلال حقوقی قوی‌تری را به‌طرف ارایه دهد. اما این روش، عملیات پرداخت قرارداد هوشمند را از حالت کاملاً خودکار خارج کرده؛ لذا، اگرچه قراردادهای هوشمند پرداخت‌ها را بسیار کارآمدتر کرده، اما از طرفی قادر به رسیدگی به اختلافات مربوط به پرداخت نیست.

تخصیص ریسک برای حملات و شکست‌ها

احتمال هک شدن قرارداد و یا اینکه کد یا پروتکل به‌سادگی حاوی یک خطای برنامه‌نویسی ناخواسته باشد ریسک مازادی را در قراردادهای هوشمند ایجاد کرده که در اکثر روابط قراردادی متنی وجود ندارد. باتوجه‌به امنیت نسبی بلاک‌چین، این مفاهیم ارتباط تنگاتنگی با هم دارند، به‌عبارت دیگر اکثر هک‌های مرتبط با فناوری بلاک‌چین در واقع سوءاستفاده از خطای کدنویسی ناخواسته هستند که مانند بسیاری از اشکالات کدهای کامپیوتری، این خطاهای چشمگیر نبوده، و تنها پس از سوءاستفاده آشکار می‌شوند.

به‌عنوان مثال، در سال ۲۰۱۷ یک هکر توانست به چندین کیف پول چند امضایی که توسط Parity به ارزش ۳ میلیون دلار اتر ارایه شده بود، دستبرد بزند. کیف پول‌های چند امضایی شامل یک لایه امنیتی بیشتر بوده زیرا برای دسترسی به کیف پول به بیش از یک کلید خصوصی نیاز دارند. بااین حال، در حمله Parity، هکر توانست بسا راه‌اندازی مجدد قرارداد هوشمند از نقص در کد Parity استفاده کند و خود را به‌عنوان تنها مالک کیف‌های چند امضایی قرار دهد.

طرفین قرارداد هوشمند باید چگونگی مواجهه با خطرات و مسوولیت خطاهای کدگذاری ناخواسته و سوءاستفاده‌های احتمالی بین طرفین و با توسعه‌دهندگان شخص ثالث یا بیمه‌گران قرارداد هوشمند را در نظر بگیرند.

قانون حاکم و حوزه قضایی

باتوجه‌به گسترش قراردادهای هوشمند، یکی از تعهدات اصلی فناوری

بلاک‌چین، توسعه پلتفرم‌های قوی، غیرمتمرکز و جهانی است. بااین حال، پذیرش جهانی به معنای استفاده بیشتر طرفین از یک قرارداد هوشمند در حوزه‌های قضایی نسبت به قراردادهای متنی است؛ بنابراین شرایطی که تحت یک قرارداد هوشمند ارایه شده با تعیین قانون حاکم و حوزه قضایی آن قرارداد هوشمند، بهترین خدمات را خواهد داشت.

قانون حاکم مشخص می‌کند که کدام قانون اساسی برای تفسیر قرارداد هوشمند اعمال شود، درحالی که یک حوزه قضایی تعیین می‌کند که کدام دادگاه‌های قضایی صلاحیت قضاوت در مورد اختلاف پیش آمده را دارا هستند.

در مواردی که قانون حاکم یا حوزه قضایی مشخص نشده، شاکای محدودیتی در انتخاب محل اقامه دعوی یا بحث در مورد اینکه کدام قانون اساسی باید اعمال شود، باتوجه‌به طیف وسیعی از حوزه‌های قضایی که می‌تواند در خصوص قرارداد هوشمند استفاده شود، نخواهد داشت. باتوجه‌به اینکه بسیاری از اختلافات اولیه در خصوص قراردادهای هوشمند در اولین برداشت‌های طرفین خواهد بود، طرفین قرارداد خواهان اطمینان در مورد محل رسیدگی به چنین اختلافاتی هستند.

بهترین شیوه‌ها

باتوجه‌به اینکه ما در مراحل اولیه پذیرش قرارداد هوشمند هستیم، بهترین روش‌ها برای اجرای چنین کدهایی هنوز در حال تکامل هستند. بااین حال، راه‌حل‌های زیر می‌تواند به توسعه‌دهندگان در طراحی قراردادهای هوشمند موثر کمک کرده و شرکت‌هایی را که قصد استفاده از آنها را داشته راهنمایی کند.

■ در حال حاضر، طرفین هر نوع قرارداد بهتر است با بهره‌گیری از رویکرد ترکیبی که ترکیبی از متن و کد است، خدمات بهتری را دریافت کنند. همان‌طور که اشاره شد، بنا بر استدلال‌های محکم، قراردادهای هوشمند بر مبنای کد باید حداقل تحت قوانین قراردادهای ایالتی در ایالات متحده قابل اجرا باشند. بااین حال، تا زمانی که شفافیت بیشتری در خصوص اعتبار و قابلیت اجرای آنها وجود نداشته باشد، از قراردادهای هوشمند کدی باید تنها در موارد ساده استفاده کرد. طرفین همچنان خواهان نسخه‌های متنی توافق‌نامه‌ها هستند تا بتوانند شرایط مورد توافق را بخوانند، و شرایطی را در نظر بگیرند که قراردادهای هوشمند قابلیت اعمال آن را ندارند و سندی داشته باشند که آگاه هستند دادگاه آن را اجرا خواهد کرد.

■ در یک قرارداد ترکیبی با استفاده از متن و کد، متن باید به‌وضوح کد قرارداد هوشمند را که با آن مرتبط است مشخص کرده و طرفین باید از متغیرهایی که به قرارداد هوشمند منتقل می‌شوند، نحوه تعریف آنها و رویدادهای تراکنش که باعث اجرای کد می‌شود، مطلع باشند.

■ هنگام اتکا به اوراکل برای داده‌های خارج از زنجیره، طرفین باید این موضوع را در نظر بگیرند که اگر اوراکل نتواند داده‌های لازم را ارسال کند، یا داده‌های اشتباه ارایه دهد و یا به‌سادگی از کار بیفتد، چه اتفاقی می‌افتد. ■ طرفین باید تخصیص ریسک را در صورت بروز خطای کدگذاری در نظر بگیرند.

■ توافق‌نامه متنی همراه کد باید قانون حاکم و حوزه قضایی و همچنین ترتیب تقدم بین متن و کد را در صورت بروز اختلاف، مشخص کند.

■ توافق‌نامه متنی باید یک نماینده از هر کدام از طرفین در نظر گرفته تا کد قرارداد هوشمند را بازبینی کرده و شرایطی را که در توافق‌نامه متنی وجود دارد، منعکس کند. اگرچه چنین نمایندگی نمی‌تواند طرفی را مجبور به بررسی کند، اما به‌طرف مقابل کمک کرده تا در برابر ادعایی که کد هرگز بازنگری نشده است، دفاع داشته باشد. همچنین طرفین می‌توانند از بیمه استفاده کنند تا در برابر خطای احتمالی که ممکن است در کد به وجود بیاید، اطمینان حاصل کنند. همان‌طور که اشاره شد، طرفین ممکن است نیاز به مشارکت کارشناسان شخص ثالث برای بررسی کد نیز داشته باشند.

آینده قراردادهای هوشمند

امروزه، قراردادهای هوشمند نمونه‌ای اولیه از «قانون آمارا» هستند، مفهومی که توسط روی آمارا، دانشمند کامپیوتر دانشگاه استنفورد، بیان شده که ما تمایل داریم در مورد فناوری جدید در کوتاه‌مدت مبالغه کرده و در بلندمدت آن را دست کم بگیریم.

اگرچه قراردادهای هوشمند قبل از اینکه به‌طور گسترده برای به‌کارگیری در روابط تجاری پیچیده به تصویب برسند، باید تکامل یابند، اما می‌توانند زمینه‌انگیزه‌ای را ایجاد کنند که نحوه قرارداد طرفین را در آینده شکل می‌دهد.

به این منظور در هنگام تفکر در خصوص قراردادهای هوشمند، مهم است که به‌سادگی تنها به چگونگی انتقال مفاهیم و ساختارهای موجود به این فناوری جدید تمرکز نکرده، بلکه انقلاب واقعی قراردادهای هوشمند را ناشی از الگوهای کاملاً جدیدی بدانیم که ما هنوز آنها را تصور هم نکرده‌ایم.

منبع:

https://corpgov.law.harvard.edu/201826/05//anintroductiontosmartcontractsandtheirpotentialandinherentlimitations/

خبر

دانشمندان از امکان استخراج آب و اکسیژن از خاک ماه خبر می دهند

آب و اکسیژن دو عنصر ضروری برای زندگی انسان‌ها محسوب می‌شود که هیچ‌کدام به آسانی در ماه در دسترس نیستند. اکنون با استفاده از یک تکنیک جدید، فضانوردان ممکن است روزی بتوانند این عناصر را از خاک ماه برداشت کنند.

تکنیک دومر حله‌ای این روش توسط انتلافی از دانشمندان دانشگاه پلی تکنیک میلان، آژانس فضایی اروپا، آژانس فضایی ایتالیا و شرکت سیستم‌های فضایی OHB توسعه یافته است. روش آنها بر اساس یک تکنیک مربوط به کره زمین طراحی شده و از این واقعیت استفاده می‌کند که تقریباً ۵۰ درصد خاک تمام مناطق ماه از مواد معدنی مانند دی‌اکسید سیلیکون و اکسید آهن تشکیل شده که حاوی مقدار زیادی اکسیژن است.

دانشمندان در آزمایشگاه کار خود را با گرم کردن خاک شبیه‌سازی شده ماه تادامای حدود هزار درجه سانتیگراد در کوره شروع کردند. انجام این کار باعث تبخیر خاک می‌شود و در ادامه مواد معدنی حاوی اکسیژن مستقیماً؛ حالت جامد به گاز تبدیل خواهند شد.

سپس گازها و متان باقی مانده از خاک را به مبدل کاتالیست و کندانسور منتقل می کنند که وسیله دوم آب مایع را از مخلوط جدا می کند. آب استخراج شده به همان صورت می توان مصرف شود یا اکسیژن آن از طریق الکترولیز استخراج شود.

هیدروژن و متان باقی مانده را می توان در سیستم، باز یافت کرد. همچنین نوعی ماده جانبی جامد غنی از سیلیس و فلزات در مستعمرات ماه وجود دارد که می توان برای مصارف دیگری از آن استفاده کرد. هر چند فرایند آن ممکن است پیچیده به نظر برسد، اما ظاهراً می تواند بدون دخالت انسان انجام شود.

پروفسور «میشل لواگنا» از دانشگاه پلی تکنیک میلان در این خصوص می‌گوید:

آزمایشات مان‌شان می‌دهد که دستگاه حفاری قابل ارتقا است و می‌تواند در یک چرخه به صورت کاملاً مستقل و بدون نیاز به دخالت انسان و بدون گیر کردن کار کند.



امیر عباس زمانیان

بر اساس یک نظرسنجی جدید که توسط کمپانی هریس به انجام رسیده، بیش از یک نفر از هر ۱۰ بزرگسال آمریکایی، هرگز نام ارزهای رمزنگاری شده مانند بیت کوین، اتریوم و دوچ کوین را نشنیده‌اند. این داده‌ها در طول یک هفته زمانی که ارزش بیت کوین برای اولین بار از مرز ۵۲۰۰ دلار عبور کرد، در اختیار بلومبرگ قرار گرفت.

بر اساس نظرسنجی انجام شده در ۱۳۹۴، ۹ نفر که از ۱۲ تا ۱۴ فروردین ماه، تقریباً نیمی از پاسخ‌دهندگان فقط نام این سکه‌ها را شنیده بودند؛ در حالی که ۱۶ درصد گفتند که بازوهای رمزنگاری شده کاملاً آشنا هستند و ۲۸ درصد نیز اظهار داشتند که تا حدودی با موارد مربوط به این حوزه آشنایی دارند. اکثر افرادی که درباره از راه‌های رمزنگاری شده شنیده‌اند، به‌طور تمام و کمال از بیج و خم‌های اخبار مربوط به این حوزه مطلع نیستند. ۶۱ درصد از افراد هم که در خصوص این سکه‌ها شنیده بودند، اظهار داشتند که درک کمی از نحوه کار آنها دارند و برخی دیگر حتی اندکی اظهار کرده بودند که در خصوص ماهیت و شیوه کار آنها اطلاعاتی ندارند. این درحالی است که تنها ۱۴ درصد از افرادی که با رمزنگاری آشنا هستند، ادعا داشتند که میزان اطلاعات «بسیار خوب» در خصوص طرز کار آنها دارند.

همچنین از میان افرادی که با ارزهای رمزنگاری شده، آشنا هستند، ۴ درصد معتقد بودند که بیت کوین به میزان صفر دلار کاهش خواهد یافت، در حالی که ۸ درصد

داده‌های استخراج شده از نتایج یک نظر سنجی معتبر نشان داد

بیش از ۱۰ درصد بزرگسالان آمریکایی بارمزارزها غریبه‌اند



هم نسبت به استفاده از رمزارزها و بازار ارزهای دیجیتال از خود نشان داده‌اند. اما کثرت کسب و کارهای بزرگ و شناخته شده همچون مک دونالد و سینمای RMC در ایالات متحده، این ارزها را کاملاً به عنوان یک شیوه پرداخت قابل اعتماد پذیرفته‌اند. بنابراین، با آن حجم از گردش ارز، اطلاعات و دسترسی اکثر قریب به اتفاق بزرگسالان به رسانه‌های دیجیتال، این گونه بی‌خبری نشان از عدم اعتماد مردم به بازار ارزهای رمزنگاری شده همچون بیت‌کوین، اتر، بوم، سولانا و معاملاتشان دارد. از طرف دیگر، در جدیدترین اخبار این حوزه نیز یک شرکت ژاپنی به نام SBI HOLDING صرافی تائو تائو را خریداری کرده و قرار است پلتفرم معامله‌گری خود را با استفاده از این صرافی راناندازی کند. حال این صرافی قرار است ریل را به عنوان ارز پرداخت و وسیله مبادله بپذیرد. طبق بیانیه رسمی این شرکت، خرید این صرافی کمک می‌کند تا این شرکت خدمات بهتری در خصوص ارزهای دیجیتال به مشتریانانش ارائه دهد. در این بیانیه، جمله‌ای جلب توجه می‌کند: «صرافی که خریداری شده، قرار است مرکزی برای راناندازی پلتفرم معامله‌گری و حرفه‌ای شرکت ما باشد.»

ارزدیجیتال رپبل در یک ماه گذشته تغییر چندانی نداشته و بین محدوده یکدلار تا ۱/۴ دلار نوسان کرده است. این ارز به دلیل شکایات کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا محبوبیت خود را دست داد؛ اما توانست در دادگاه به پروز شود و حالا پذیرش این ارز در صرافی‌ها و شرکت‌ها به شدت بیشتر شده و صرافی‌هایی که بعد از شکایت از رپبل، معاملات این ارز را متوقف کرده بودند، دوباره رپبل معامله می‌کنند. این ارز در رتبه ششم مارکت کپ قرار دارد و بسیاری از کارشناسان عقیده دارند پروژه این ارز، جزو پروژه‌های برتر برای مازارهاست.

«سن» لومو بزرگترین شاخص اعتقاد به رمزنگاری نبود. به عنوان مثال، در حالی که ۵۸ درصد از پاسخ‌دهندگان GenZ (بین ۱۸ تا ۲۴ سال سن داشتند) که در خصوص رمزنگاری اطلاعات داشتند، می‌گفتند که فکر می‌کنند رزهای دیجیتال به عنوان یک نوع پرداخت، «بسیار» یا «تا حدودی» مشروع هستند؛ اما این رقم برای افراد یک نسل بالاتر، به ۶۹ درصد افزایش یافته است (بین ۲۵ و ۴۰ سال). بنابراین، در روزهایی که مانور رسانه‌های بزرگ جهان بر بازارهای کریپتو کارسی با همان ارزهای رمزنگاری شده، بیش از پیش به چشم می‌آید کمی جالب توجه است که تنها حدود ۱۰ درصد از مردم ایالات متحده آمریکا که از قضا بزرگسال نیز هستند، به طور قابل اطمینانی از این حوزه فعالیت‌ها اطلاع داشته باشند.

در حالی که سایر کشورهای ابر قدرت جهان همچون چین و روسیه، با رویکرد ضد دلار خودشان، این واحد پولی را از چرخه معاملات حذف کرده‌اند، موضع نسبتاً سختگیرانه‌ای

اطمینان دارند قیمت آن بالاتر از ۱۰۰ هزار دلار نیز می‌رود. مقوله «اعتماد»، یکی دیگر از عواملی به نظر می‌آید که در میان افرادی که بازارهای رمزنگاری شده آشنایی دارند، مورد بحث و جدل است. حدود ۴۳ درصد درخصوص مشروعیت این شیوه از پرداخت، به عنوان یک نوع پرداخت کامل و مورد اطمینان اظهار تردید کردند. ۲۹ درصد از معتمدندان رمزنگاری شده تا ۱۰ سال دیگر، تاحد زیادی فروشنش خواهد شد و ۴۰ درصد نیز معتقدند که این شیوه، به یک روش پرداخت استاندارد تبدیل می‌شود.

در ماه‌های اخیر، شرکت‌هایی از جمله Mastercard و Tesla Inc. اعلام کرده‌اند که قصد دارند پردازش پرداخت‌ها را با ارزهای رمزنگاری شده آغاز کنند. در حالی که افراد کمی در واقع از بیت‌کوین برای خرید استفاده می‌کنند. همچنین تنها ۱۰ درصد از افرادی که با ارز رمزنگاری آشنا هستند، مدعی بودند که به‌طور مرتب با آن خرید می‌کنند. در بین گروه‌های جمعیت شناختی،

کتاب، کودک و والدین



بہترین رفیق

زمان مناسبی را برای قصه‌گویی انتخاب کنید؛ بهترین زمان قصه‌گویی برای کودکان، در سنین پیش از دبستان، هنگام خواب است؛ همچنین، در مناسبت‌های خانوادگی، ملی، مذهبی و... برایش داستان‌هایی با مضامین مرتبط بخوانید؛ در روز تولد، قصه تولدش را بگویید؛ در ایام محرم، نوروز، یلدا و سایر مناسبت‌ها، داستان‌هایی متناسب با سطح سواد، فهم و احساس کودک، برای او تعریف کنید.



با مراجعه به سامانه www.samanpl.ir علاوه بر عضویت در کتابخانه‌های عمومی، نسبت به تمدید و رزرو کتاب‌ها اقدام کنید.



هرکار به یک اشاره،

با ایلکیکیشن همه کاره ایرانسل من!

۳۰ سیم کارت طلا به ارزش ۵۰ میلیون تومان



***FΔ#**